

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۶۳ برابر ۱۷ دسامبر ۱۹۸۴
پها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳۷

زنده باد اعتصاب گران قهرمان ذوب آهن اصفهان!

اخبار واصله حاکی است که حتی در پی این جنایت هولناک نیز اعتصاب دلاورانه پو لادگران قهرمان و دیگر کارکنان این مجتمع بزرگ هم چنان ادامه یافت. اعتصابگران با استواری مطالبات خود را پی گرفتند کسه در صدر آن در این مرحله الغای طرح "تعاونی کردن" قرار دارد.

ما در شماره گذشته به طرح توطئه گرانه، ارتجاعی و ضدانقلابی رژیم که به آن "تعاونی کردن" نام داده است، اشاره کرده و به جوانب چند از آن پرداخته بودیم. در این شماره بقیه در صفحه ۸

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با صدور اعلامیه ای مشترک پیرامون اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان، پرده سنگوت رسانه های جمهوری اسلامی را نسبت به این اعتصاب عظیم از هم دیدند و خبر از جنایت هولناکی دادند که در کارخانه ذوب آهن اصفهان به وقوع پیوست. سران سفاک رژیم دستور دادند که تن از کارکنان اعتصابی را در همان محوطه کارخانه تیرباران کنند. به این ترتیب این اعتصاب نیز مانند بسیاری دیگر از اعتصابات کارگری به خون کشیده شد.

اعلامیه مشترك کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از مهمترین و حساس ترین پایگاه های دستیابی به استقلال اقتصادی ایران - مجتمع ذوب آهن اصفهان - متوقف سازد.

دشمنان استقلال ایران، که از مدت ها پیش تبلیغات دامنه داری علیه یگانه مجتمع صنعتی متکی بر منابع داخلی، به بهانه عدم سودآوری برآه انداخته بودند، بالاخره موفق شدند نقشه عیقا ضد ملی تقسیم مجتمع ذوب آهن اصفهان به واحدهای جداگانه به منظور واگذاری بخشهای سودآور به کلان سرمایه داران را به تصویب برسانند. در صورت تحقق این نقشه نه تنها ضرر مهملکی بر زیربنای اقتصاد ملی ما وارد خواهد آمد، بلکه بیش از ۵ هزار تن از کارگران ماهر صنعتی ایران نیز به اردوی بیکاران خواهند پیوست.

بقیه در صفحه ۲

سران جمهوری اسلامی دست به جنایت هولناک جدیدی زدند. در جریان اعتصاب ده هزار نفری کارگران و دیگر کارکنان کارخانه ذوب آهن اصفهان، ارگانهای سرکوبگر رژیم ۲۰ نفر از کارکنان راد سنگیرو ۱۰ نفر از آنان را بدون کوچکترین مجوز قانونی و بازپراگذاشتن گستاخانه ابتدایی ترین موازین حقوق بشر، فقط برای زهرچشم گرفتن از کارگران مبارز در محوطه کارخانه تیرباران کردند.

اما این جنایت، که پرده از ماهیت رژیم خودکامه قرون وسطایی حاکم بر جان و مال و ناموس توده های زحمتکش برمی دارد، نتوانست مبارزه پیگیر و سرسخت کارگران قهرمان و ازجان گذشته کارخانه ذوب آهن اصفهان را علیه سیاست ضد مردمی رژیم دایر بر ازمین بردن یکی

در لایحه بودجه سال آینده "جنگ همچنان در رأس امور است"

در جلسه ششم آذرماه مجلس، نخست وزیر لایحه بودجه سال آینده را به نمایندگان ارایه نمود.

اوسخرانی خود در این مورد را با تأکید مجد در بر روی تداوم جنگ آغاز کرد و بدینوسیله از پیش شخص ساخت که بودجه سال ۶۴ نیز برچه مبنایی تنظیم گشته است.

بودجه جدید مختصا تاصلی بودجه های چند سال گذشته و امسال را در خود حفظ کرده است. این مختصا ت بر سر تخریص عمومی دفاع از سرمایه داری عیار تداوم اولویت دادن به جنگ، تکیه بر استقراض از سیستم بانکی کشور برای جبران کمبود بودجه و نقش فائده درآمد حاصل از فروش نفت در میان کل درآمدهای دولت، بر اساس لایحه ارایه شده از سوی نخست وزیر، حجم کلی بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۶۴ برابر است با ۲۸۱۸/۷ میلیارد ریال که ۳ میلیارد ریال کمتر از بودجه عمومی مصوب سال ۱۳۶۳ کشور است. بنا بر اعتراف خود موسوی "کاهش حجم هزینه های بودجه عمومی کشور، به معنی اعمال صرفه جویی های وسیع در هزینه های جاری و عمرانی دولت است."

با توجه به کاهش بودجه و در همین چارچوب افزایش هزینه مربوط به جنگ، باید انتظار داشت که از آن اندک اقدامات عمرانی که برای خالصی نبودن عریضه صورت می گرفت، به نحو چشمگیری کاسته شود. پیهوده نیست که موسوی از هیچ طرح مهم عمرانی جدیدی سخن نمی گوید و تنها بقیه در صفحه ۳

۶۳ سال از برقراری حکومت شوراها

در آرمستان گذشت در صفحه ۱۴

سهم صاحب در حاشیه گردهمایی سالانه

"شورای جهانی صلح"

در صفحه ۶

بزرگداشت رزم قهرمانانه

دانشجویان پلی تکنیک آتن در صفحه ۷

پیام های تبریک به کمیته مرکزی سازمان

به مناسبت برگزاری پیروز مندان پلنوم

در صفحه ۳

به مناسبت سالگرد نهضت ۲۱ آذر

تأثیر نهضت ملی - دمکراتیک
بر هنر و ادبیات آذربایجان

اواخر سال ۱۳۲۵، با تحریک بلا واسطه و کمک امپریالیستها، قشون ارتجاع مرکزی، یورش بربر منشا نه ای به آذربایجان آورد. نهضت ملی - دمکراتیک آذربایجان به ثابۀ جزء جدایی ناپذیر نهضت انقلابی ایران و تکیه گاهی برای استقلال واقعی و تمامیت ارضی کشور، در معرض وحشیگری ارتجاع قرار گرفت و دستاورد های نهضت که با خون دل مردم به دست آمده بود، بایک سرکوب خونین لگدمال گشت. سلطه مجد د ارتجاع بر آذربایجان هر چند که آثار دمکراتیک و مردمی نهضت دولتی را در عرصه های اقتصادی - اجتماعی بقیه در صفحه ۴

مسأله گرسنگی در جهان امروز

عوارض مرکب از خشکسالی اخیر در شرق آفریقا، بازتاب گسترده ای در رسانه های گروهی یافت. در همان حال که دولت انقلابی اتیوپی برخورد ارازیاری بیدریخ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، مبارزه سرسختانه ای را علیه این مشکل و مصیبت بزرگ پیش می برد، رسانه های امپریالیستی و ارتجاعی و از جمله رسانه های حکومتی در ایران کوشیدند از این واقعۀ بمطابق سیله ای برای تبلیغات ضد انقلابی بهره گیرند. آنها در پشت گرد و غباری که بپراکده بودند، سعی داشتند ریشه های بروز این فاجعه در انگیزا پوشیده نگه دارند. ما برای آگاهی خوانندگان از علل و ریشه های قحطی و گرسنگی، کوتاه شده مقاله ای از پروفیسر "وادی کورتونف" دانشمند شوروی را در این بقیه در صفحه ۵

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

اعلامیه مشترك

بقیه از صفحه اول

کارگران مبارز و بآهن اصفهان پا در ک
ژرفای این خیانت عظیم در حال تکوین، از سه
هفته پیش پیکار دشوار و افتخار آفرینی را برای خنثی
ساختن خیانت ثوبتی دولت آغاز کردند.
اعتصاب کارگران واحد کوره بلند پژوی به
اعتصاب عمومی در کارخانه ذوب آهن فراروید.
هم اکنون اعتصاب ده هزار نفری کارکنان ذوب
آهن علیرغم جنایت رژیم، همچنان ادامه دارد.
موج نوین نبرد اعتصابی کارگران و عکس
الحمل وحشیانه رژیم زمانی آغاز می شود، که
رهبران جمهوری اسلامی سیاست ضد مردمی
احیای نظام سرمایه داری و ایستاده و نوسازی
مواضع ازدست رفته امپریالیسم و انحصارهای
غارتگر خارجی را در پیش گرفته اند و با ادامه جنگ
خانمانسوزی حاصل میهن ما را در آستانه
ورشکستگی کامل اقتصادی و مالی قرار داده اند.
سردمداران رژیم با خیانت آشکار به
آماجهای مردمی انقلاب، یگانه راه حل مشکلاتی
را که با آنها روبرو هستند، در تاج و زبه منافع
توده های زحمتکش می بینند. آنها برای اجرای
سیاست ضد مردمی خود، همانند دوران
ستمشاهی ازارگانهای سرکوبگر می گیرند
دستگیری عده ای از کارگران و مهندسين، اعدام
وحشیانه ۱۰ تن از کارکنان و محاصره کارخانه

توسط سپاه، نشانگر ترس مرکبار حکام مرتجع از
تشديد پیکار طبقه کارگر ایران است.
کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و همدستان
آنان در حاکمیت جمهوری اسلامی که از گسترش
جنبش کارگری در کشور به وحشت افتاده بودند،
با یورش سبانه به حزب توده ایران و سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثريت) و سرهم بندی
محاکمات فرمایشی و سپردن گروهی از مدافعین
زحمتکشان کشور به جوخه های اعدام، قصد
داشتند هرگونه صدای حق طلبانه کارگران و دیگر
زحمتکشان را در سینه خفه کنند.
اما گسترش دامنه نبرد اعتصابی کارگران
ایران و از آن جمله اعتصاب ده هزار نفری کارگران
قهرمان ذوب آهن اصفهان مؤید شکست سیاست
ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی است.
کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) کشتار
دشمنانه کارگران را قویا محکوم می کنند و خواستار
مجازات فوری کسانی هستند که فرمان این جنایت
وحشتناک را صادر کرده اند. خواست کارگران
و دیگر کارکنان، پیرامون متوقف ساختن نقشه
و اگذاری واحدهای سودآور مجتمع ذوب آهن
به کلان سرمایه داران زیر پوشش "تعاونی کردن"
حق آنهاست و باید برآورده شود.
ما همه کارکنان واحدهای مختلف مجتمع
ذوب آهن در دیرگشهرها و نیز کلیه کارگران
سایر موسسات صنعتی را قوامی خوانیم تا با

سازمان دادن اعتصابها و تظاهرات همبستگی، به
یاری برادران خود در اصفهان بشتابند و جنایت
ارگانهای سرکوبگر رژیم را محکوم کنند. بنایند
لحظه ای فراموش کرد، که امروز نیت کارکنان ذوب
آهن اصفهان است و فردا نیت آنان خواهد بود.
نباید به رژیم اجازه تجا و زبه یکی از دستاوردهای
مردم ایران در تاریخ معاصر کشور را داد.
کارگران ایران، که در نوره جنبش رهایی
بخش ملی سالهای ستمشاهی آیدیده شده اند
به خوبی می دانند، فقط با مبارزه متحد و متشکل
می توان بردشمنان خلق که در راه خیانت آشکار
به مصالح ملی گام گذاشته اند، پیروز شدند و
نقشه های ایران بر باد ده آنها را خنثی کرد.
کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته
مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
شهادت ده نفر از کارکنان مبارز ذوب آهن اصفهان
را به خانواده های آنان و به همه کارگران ایران
تسلیم می گویند. خاطره آنان مانند هزاران
شهید راه آزادی طبقه کارگر بادی خواهد ماند.
درد به کارگران و دیگر کارکنان مبارز مجتمع
ذوب آهن اصفهان
زنده باد طبقه کارگر ایران، یگانه مبارز پیگیر
و سرسخت استقلال، آزادی و عدالت
اجتماعی!
کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثريت) ۱۷ آذرماه ۱۳۶۳

باند های داخلی حزب توطئه گران، علیه یکدیگر نیز توطئه می چینند

اختلافات درونی حزب جمهوری اسلامی
چنان گسترش یافته که اکنون دیگر در سطح عموم
مطرح می گردد. هاشمی رفسنجانی در دیدار با
مسئولین آموزش این حزب در روز هشتم
آذرماه بار دیگر به این اختلافات پرداخت
و گوشه هایی از آنها بر ملا ساخت.

شدت اختلافات در درون حزب جمهوری
اسلامی به حدی رسیده است که زمره انشعاب
و تشکیل يك حزب جدید به گوش می رسد.
تلاش برای سازمان دادن يك جناح مخالف
نیرومند و یا حرکت در جهت ایجاد يك حزب جدید
به شدت با ایدئولوژی، برنامه و سیاست
حزب که ذاتا می خواهد واحد و فراگیر باشد
در تضاد است. رفسنجانی خود در این مورد
می گوید:

"آنچه ما می فهمیم حزب واحد اسلامی
است و ما بیش از این به خودمان حق نمی دهیم.
اگر بنا باشد روزی چند حزب اسلامی در يك
جامعه در مقابل همدیگر صف بکشند، يك جای
کار خراب است و اشکالی وجود دارد، چون
اسلام یکی بیشتر نیست و اصول حکومتی و اجتماعی
و اصول زندگی آن تحقیقا واحد است و حزب نیز
دعوت به همین اصول واحد اسلامی می کند."
(اطلاعات - ۱۱ آذر)

رفسنجانی در همانجا از گروهی که در مقابل
جریان منسوب به او قرار دارد با عنوان باندد

نام می برد و در رابطه با حرکات و تلاشهای
افراد آن برای کسب قدرت بیشتر در داخل
حزب چنین می گوید:

"اگر باندی خاص در حزب تلاش کند که
قدرت را به دست بگیرد و برای آن برنامه ریزی
کند و افرادی را انتخاب کند که در کنگره برود و
به دلخواه آنها رای بدهد و بعد از درون کنگره
يك نفر را انتخاب کند که در شورای مرکزی يك
جریان قویتر به نفع آنها براه بیندازد، این
درست بر خلاف فلسفه تشکیل حزب است، این
خیانت به آرمان يك حزب خوب و طبیعی است.
اگر این کار انجام شود، جریان دیگری که
احساس می کند علیه آن توطئه می شود، دچار
تصویب متقابل می شود و در نتیجه باید این جریان
و یا دیگری باید بیرون برود و در اینصورت
افراد برای اتحاد وارد حزب می شوند اما
برای تفرقه عمل می کنند. این تضعیف حزب
است. اگر کسی فکر کند که حزب را باید يك
جریان خاص بگرداند، یعنی پذیرفته است که
در جامعه باید دو تا حزب وجود داشته باشد،
چون طرف مقابل آنها هم ممکن است برای
خودشان به فکر تشکیلات جداگانه بیفتد و این
يك امر طبیعی است."

باند مقابل رفسنجانی سنگ خامنه ای را به
سینه می زند. رفسنجانی با سرزنش کردن این
جریان و در همانحال ستایش از خامنه ای به

در می گوید تا دیوار بشنود. او بدین شیوه
علا خامنه ای را مورد خطاب قرار می دهد و او
را از دامن زدن به اختلافات برحذر می دارد:

"هم اکنون دبیرکل حزب جمهوری
اسلامی شخصی مثل آقای خامنه ای است. حزب
نباید باعث شود که آقای خامنه ای از این
مقبولیت عامه ای که دارند دور شوند. ایشان
مورد پذیرش همه طرز تفکرهای جامعه امروز ما
هستند... دقت شود که ایشان را نمی توان
در يك جریان خاص محدود کرد... این حزب
نمی تواند به جریان خاصی محدود گردد... باند
بازی و گرایش گروهی و به قدرت رساندن این
جریان و یا آن جریان و رای جمع کردن برای این
و آن و کارهایی از این قبیل، همه ضد حزبی
است و باعث می شود که حزب از رسالت و لیاقت
دور شود."

رفسنجانی هنوز گمان می کند که حزب
جمهوری اسلامی آنقدر "فراگیر" خواهد شد
که "تنها مخصوص ایران نباشد" و عالم گستر
شود. تنها خود این عالی جناب می تواند به
این خیال دلخوش کند. آنچه فراگیر شده
است، رسوائی این حزب است.

اکنون جناحهای حزب توطئه گرها، برای
خود نیز توطئه می چینند. این تضادهای
درونی بر میزان رسوائی این جریان و تنفر مردم
خواهد افزود.

پیام های تبریک به کمیته مرکزی سازمان به مناسبت برگزاری پیروزمندان پلنوم

● به مناسبت برگزاری پیروزمندان پلنوم اخیر کمیته مرکزی سازمان، پیام های تبریکی از سوی واحد های تشکیلاتی سازمان در سراسر کشور خطاب به رهبری سازمان فرستاده شده است. در این شماره، پیام های کمیته هرمزگان و کمیته سیستان و بلوچستان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را درج می کنیم.

از تو پیش و ترانه آموخته ایم
در سینه چه شعله ها برافروخته ایم
ای هم نفس سپیده ما را بنواز
ما را، که ز اشتیاق تو سوخته ایم

رفقای کمیته مرکزی

با درود های رفیقانه، گرم و بی پایان به
رفقای عزیز، برگزاری پیروزمندان پلنوم اخیر، ما
را غرق در شادی و سرور ساخت. بدین مناسبت
شورانگیز ترین درود های خود را که از اعماق
وجود مان بر می خیزد تقدیم حضورتان می نمائیم
در شرایطی که رهبران جمهوری اسلامی به
آرمانهای انقلاب شکوهمند بهمن ماه خیانت
کرده و برای توده های در بند میهن مان جز
درد ورنج و بطور کلی زندگی مصیبت بارد رکلیه
ابعاد آن چیزی به ارمان نیاورده اند و در
شرایطی که برای نابودی سازمان ما و همه
نیروهای مرفی و انقلابی به کینه توزانه ترین و
وحشیانه ترین شیوه های قرون وسطایی و ضد
بشری متوسل میشوند، بدون شک برگزاری این
پلنوم از طرفی موجب امید واری کارگران و زحمتکشان
میهن مان و تمامی نیروهایی است که در راه استقلال،
آزادی و عدالت اجتماعی پیکار می کنند و از طرف
دیگر پاسخ کوبنده ای است به تلاشهای مذبحخانه
ارتجاع حاکم. ما این پیروزی را با قلبی آکنده از
شور و شادمانی و با ایمان به پیروزی راهمان به
شما رفقای گرانقدر کمیته مرکزی شاد باش میگوئیم.

رفقای گرامی

ما با مبارزه پیکر و آشتی ناپذیر خود علیه
امپریالیسم و ارتجاع در چارچوب مشی انقلابی
و کمونیستی سازمان در جهت پیوند هر چه
عمیق تر خود با توده های ملیونی مردم مبارزه
برای ایجاد جبهه متحد خلق از هیچ تلاشی
در رخ نخواهیم ورزید و در این راه "سروجان را
نتوان گفت که مقداری هست". ما اطمینان داریم
که مصیبت این پلنوم، راهگشای مشکلات و محضلات
جنبش ضد امپریالیستی، دموکراتیک میهن مان در
این مقطع حساس از تاریخ سرزمین بلای زده مان
خواهد بود.

در پایان همچون گذشته سعی خواهیم
کرد که در پرتو رهبری پرتوان کمیته مرکزی و رفیق
فرخ نگهدار دبیر اول کمیته مرکزی سازمان، بشد
بند مصوبات پلنوم اخیر را سرلوحه عمل انقلابی
روزمره خود قرار دهیم.

مستحکم باد صفوف سازمان فدائیان خلق ایران

(اکثریت)

درد پر کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)!

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!
کمیته استان هرمزگان آبانماه ۱۳۶۳



رفقای گرانقدر کمیته مرکزی سازمان

درد های صمیمانه و پر شور ما را به مناسبت
برگزاری پیروزمندان پلنوم همراه کمیته مرکزی
سازمان بپذیرد. برگزاری پیروزمندان پلنوم کمیته
مرکزی سازمان، ما را غرق در شادی و سرور
ساخت و این در شرایطی اتفاق افتاده است که
ارتجاع حاکم در میهن انقلابی مان هم جهت با
امپال امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم
آمریکا، ثروت های مادی و معنوی خلق ما را چون
همه برای گرم کردن تئور جنگ به جبهه ها
سرازیر کرده و هرگونه صدای اعتراض و حق طلبی
را در گلو خفه میکند. زندانها از دهها هزار
زندانی سیاسی انباشته شده و خون رزمندگان
آشتی ناپذیر خلق، بر کف سلول شکنجهگاه های
جمهوری اسلامی، هر روز و هر ساعت سندان
این جمهوری را مهر میکند. و در چنین شرایطی
است که فدائیان خلق ایران به همراه رفقای
توده ای و برادران مجاهد و سایر مبارزین
راه سعادت و آزادی خلق در گستره سراسر
وطن استوار و خستگی ناپذیر برای انجام
وظایف سازمانی خود به تلاشی شبانه روزی
مشغولند.

اوضاع جهانی و منطقه سخت بحرانی
است و حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی میهن
انقلابی ما را بسوی انحصارات فارتگر امپریالیسم
سوق داده است و برای پایان بردن این
پرنانه خیانت آمیز است که سرکوب کلیه
نیروهای انقلابی و میهن پرست را در دستور
روز خود قرار داده و در عوض آزادی "تجارت
محترم" و فاسدترین جناح های سرمایه داری
واپسته را تامین می کند. کار را تا بدانجا
رسانده که در منطقه سیستان و بلوچستان
سردمداران قاچاق مواد مخدر که سرمایه
کلانی بهم زده اند با امید واری بسی رهبران
جمهوری اسلامی دست دوستی دراز کرده و برای
سرمایه گذاری "مشروع" احساس امنیت می کنند.
در عوض خلق ستمکشیده و زحمتکش بسوی
سیستانی در جواب اعتراض به نمایندگی با
بقیه در صفحه ۷

در لایحه بودجه سال آینده

بقیه از صفحه اول

برای کارهای عقب افتاده را قلمی را منظور کرده است.
بودجه جدید در صورتی که رقم
۳۵۷۰ میلیارد ریال مربوط به درآمد های
دولت، واقع بینانه ارزیابی شده باشد -
۳۹۴/۵ میلیارد ریال کسری دارد. این کسری
طبق یک فرمول کهنه، با استقرار ارز ناگه مرکزی
و روشن ترگویییم از راه چاپ اسکناس بی پشتوانه
تامین خواهد شد. رژیم از این طریق با
افزودن بر حجم نقدینگی و میزان تورم، باز هم
از سفره زحمتکشان زده و به جیب سرمایه داران
خواهد ریخت.

جنگ، درشت ترین ارقام بودجه را به
خود اختصاص داده است. هزینه مستقیم
جنگ، ۴۰۰ میلیارد ریال ذکر شده است
ولی این رقم تنها "تنخواه گردان" جبهه ها
را و حتی بخشی از آن را شامل می شود. به این
رقم باید رقم مربوط به بنیاد شهید، بنیاد امور
مهاجرین جنگی، کمیته امداد، بخش اعظم
بودجه مربوط به دستگاه های نظامی و انتظامی
و نیز وزارت جهاد و حتی قسمتی از بودجه های
وزارتخانه های دیگر را افزود تا دریافت جنگ
چگونه کشور را به خاک سیاه می نشاند.

تاکنون بر اساس گزارش های رسمی حکومت،
جنگ ۲۴ درصد از کل بودجه را می بلعیده
است. حتی اگر افزایش هزینه های جنگی در سال
۶۴ را نادیده بگیریم و این ضریب را ثابت فرض
کنیم در سال آینده دست کم ۱۵۰۰ میلیارد
ریال به کام جبهه ها خواهد ریخت. (در گزارش
موسوی این رقم ۱۳۰۶/۵ میلیارد ریال ذکر
شده است) اگر جمعیت کشور را ۴۰ میلیون
نفرو متوسط تعداد افراد هر خانواده ایرانی را ۵
نفردر نظر بگیریم، درمی یابیم که به ازای هر
خانواده در سال ۶۴ حداقل ۱۸۷۵۰۰ ریال
برای تداوم این جنگ خانمانسوز، منظور خواهد
شد. این رقم فشاری که بر هر خانواده می آید،
به تمامی منعکس نمی کند. اگر از کشتار مردم
ویرانی شهرها، روستاها و منابع ملی و نیز
اتلاف نیروهای انسانی صرف نظر کنیم و تنها
توجه خود را به اثرات اقتصادی جنگ به
صورت تأثیرات مستقیم معیشتی، معطوف
سازیم، باید با توجه به نقش تورم زای جنگ و همه
اثرات جانبی آن یافت خانمانسوز به عددی
چندین برابر ۱۸۷۵۰۰ ریال در سال برسیم.

لایحه بودجه سال ۶۴، با توجه به این
که به گفته خود موسوی در آن "اداره امور
جنگ در اسفندهای دولت قرار گرفته و از
اولویت کامل برخوردار است" و با توجه به
اینکه در آن حق "سرمایه های بزرگ مشروع" کاملاً
محفوظ شده است، با روی خوش نمایندگانش
مجلس مواجه خواهد شد. اما مردم در این
لایحه، تیره روزی و فقر و گرسنگی و ویرانسی
می بینند. گسترش اعتراضات زحمتکشان، نتیجه
طبیعی و پاسخ شایسته چنین لوایح و
سیاستهایی است.

به مناسبت سالگرد نهضت ۲۱ آذر

تأثير نهضت ملی - دموکراتیک بر هنر و ادبیات آذربایجان

پایه شرایط عینی و ذهنی موجود در عصره
بین المللی و ملی، به ادبیات آذری ویژگی
بارزی می بخشد.

نویسندگان، شاعران و هنرمندان دوران نهضت ملی - دموکراتیک آذربایجان هرگز تعهد خود را نسبت به نهضت و مردم فراموش نکردند. بعد از شکست، کشتار و حبس‌نماها را نپرواژه ای چون "علی فطرت"، "کاشف"، "شاعر کارگر" محمد باقر نیکام، "سعیدی یوزباشی" و دهها تن دیگر به وسیله چکمه‌پوشان شاه، نشانه پایداری آنها در سنگرمقاومت توده است.

از ویژگیهای بسیار ارزنده ادبیات و هنر مردمی دوران نهضت ملی - دموکراتیک آذربایجان و دوره حکومت ملی، شکوفایی کم نظیر و شکفتن گسترده استعداد های زنان آذربایجان در عصره ادبیات و هنر بود. در پی اصلاحات عمیق اجتماعی - سیاسی که دولت ملی در تمامی شئون جامعه انجام داده بود، زنان آذربایجان به ثابتهایی از کار و نیرومند نهضت، در تمام عرصه های کار و پیکار و آفرینش معنوی و فرهنگی دوشاد و شمردان، سهم برجسته ای ایفا نمودند. در این دوره، شاعران و نویسندگان با قدرتی از میان زنان آذربایجان برخاست که در اینجا، یاد ای از "گلگون" شاعره پرآوازه نهضت ملی - دموکراتیک آذربایجان می کنیم.

"گلگون" شاعری برخاسته از دل جنبش آذربایجان مدینه علی اکبرزاده (گلگون) به سال ۱۳۰۵ در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. وی از سال ۱۳۲۳ فعالیت ادبی خود را آغاز نمود و اولین سروده هایش در روزنامه "وطن یولوندا" چاپ می شد. در سال ۱۳۲۴ از فعالین پرشور نهضت دموکراتیک آذربایجان



مدینه علی
اکبرزاده
(گلگون)،
شاعری
از سرزمین
آذربایجان

بود. مدینه گلگون ملهم از نهضت انقلابی، به سرعت فعالیت ادبی خود را گسترش و غنی بخشید و با اشعار آتشین اش در جرایدی که در دوره حکومت ملی انتشار می یافت، نقش درخوری در بسیج توده های مردم برای حراست از دستاوردهای نهضت ایفا نمود. از وی مجموعه اشعار بسیاری از جمله "دانه های ساولان"، "بهار تبریز"، "صدای صلح"، "نگین یادگاری"، "پروانه"، "دختر تبریز"، "روزها و خاطره ها" چاپ شده است. "معنای زندگی" عنوان شعری است از مدینه گلگون که در سال ۱۳۳۶ سروده شده است. ترجمه آزاد آن در صفحه مقابل می خوانید.

آیا مشعل آزادی خاموش می شود، جلاد؟
آیا شیفته حق روی بر می تابد از آن، جلاد؟
آیا درفش رهایی بر خاک می افتد، جلاد؟
از اینها الهام می گیرد، هر پیر و جوان.

عنصر پایه ای "رئالیسم"، جایگاه و ویژگی در ادبیات آذری کسب می کند. سوژه های که هنرمندان بر پایه آن آثار مردمی خود را پی می ریزند، به تمامی از چشمه جوشان زندگی توده های مردم و زحماتشان مایه می گیرند. مبارزات توده ای خلق و ستن انقلابی زحماتشان

گوشه هایی از اقدامات فرهنگی دولت ملی آذربایجان

درد و دولت ملی:
زبان آذربایجانی زبان رسمی دولتی و فرهنگی اعلام گردید. شبکه مدارس، بسط یافت. دانشگاه تبریز تشکیل شد، کتابخانه ها و قرائتخانه ها افتتاح یافت و ۵۰ روزنامه و مجله در آذربایجان نشر گردید. رادیو تبریز تأسیس شد. "جمعیت شاعران و ادبیات آذربایجان"، "اداره هنرهای زیبا"، تئاتر دولتی، ارکستر ملی و فیلارمونیک آذربایجان افتتاح یافت.

آذربایجان، شکستها و پیروزیهای نهضت های مردمی، روحیه پرشور و میهن پرستی و اعتقاد عمیق به برادری خلقها و انترناسیونالیسم، سوژه محوری ادبیات آذری را در این دوره تشکیل می دهد و خصیصه مبارزه جویانه آن، ایمان و اعتقاد راسخ به آینده سعادت و شکوفایی بشریت و ترسیم چشم انداز نوید بخش آن، بر

از برنامه مصوب پلنوم کمیته مرکزی سازمان برای جبهه متحد خلق در زمینه مسئله ملی

- ۱- تضمین حق خود مختاری خلقهای ساکن کشور در اداره امور خود.
- ۲- رسمیت زبان اقلیتهای ملی در مناطق خود مختار در کنار زبان فارسی.
- ۳- لغو تقسیمات کشوری نفاق افکنانه، تنظیم تقسیمات کشوری بر اساس ملیت اهالی مناطق مختلف کشور.
- ۴- رفع هر گونه تبعیض سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین خلقهای آذربایجانی، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب، ارمنی و سایر اقلیتهای ملی و اقلیتهای مذهبی ساکن ایران، تلاش در راه از میان برداشتن عقب ماندگی های ناشی از ستم ملی.

آزاد لیلیق مشعلی سو نرمی جلاد؟
حق سئون حقدن د و نرمی جلاد؟
قورتولوش بایراغی انرمی جلاد؟
اوندان الهام آلیر هر قوجا، جوان.
(عاشیق حسین جوان)

بقیه از صفحه اول

از میان برداشت، امانه تو حشر شاهنشاهی، و نه لجن پراکنی تبلیغاتی مترجمین که تا امروز هم ادامه دارد. هیچکدام نتوانست دستاوردهای معنوی نهضت ۲۱ آذر را به کلی نابود سازد. در عصره رستاخیز معنوی و فرهنگی مردم آذربایجان، از جمله دستاوردهای بغایت گرانقدر مردم درد و نهضت ملی - دموکراتیک و خصوصاً طی حکومت یک ساله دولت ملی، شکوفایی و تکامل شگرف زبان، ادبیات و فرهنگ ملی بود که آثار ارزنده آن، علیرغم کینه توزیهای جنون آمیز رژیم پهلوی، هرگز زده و نشد. ادبیات و هنر دموکراتیک آذربایجان، تحت تاثیر نهضت ملی - دموکراتیک و همروند با آن، ریشه در دل این مرز و بوم گسترانده که شکست نهضت و متعاقب آن تو حشر لجام گسیخته شاهنشاهی در کشتار وسیعانه نویسندگان، شاعران و هنرمندان مردمی، زندان و شکنجه و کتاب سوزان هم نتوانست این ریشه های عمیق را بخشکاند. آنچه را که رزمندگان پهنه هنر و ادبیات در دل این خاک کاشته بودند، چیزی نبود که با تیشه ارتجاع یکسو بر خاک افتد.

شکوفایی ادبیات رئالیستی و دموکراتیک آذربایجان درد و نهضت ملی - دموکراتیک (۱۳۲۰ - ۲۵)، د و مرحله از سرگز رانده

است. نخستین مرحله که تا سال ۲۴ ادامه دارد، به لحاظ حاکمیت ارتجاعی و ممانعت از نشر و ترویج ادبیات آذری و تحصیل به زبان مادری، نسبت به مرحله دوم از امکانات محدودتری برخوردار بود. با آغاز مرحله دوم و در نتیجه اقدامات درخشان فرهنگی دولت ملی، هنر و ادبیات دموکراتیک آذربایجان گامهای بلند ی به سوی کمال و شکوفایی بر می دارد. آنچه که در این دوره، به سیما ی هنر و ادبیات آذری درخشش خاصی می بخشد، پیوند تنگاتنگ و پایدار آن با حرکت های عمیق و اساسی امپریالیستی، مردمی و میهن پرستانه این مرحله از تاریخ نهضت انقلابی ایران و مردم آذربایجان است که پایه و جاذبه ادبیات آذری را تشکیل می دهد.

مسیر تکامل ادبیات آذری در این دوره، مسیری کاملاً قانونمند است و تمام عناصر ادبیات و هنر متحد و مردمی را در بر می گیرد. درد و نهضت ملی - دموکراتیک، موضوع و مبنای

معنای زندگی

ای راههای پر نشیب و فراز زندگی
من دره ها را و انمی نه، تادر جاده های هموار
گام بردارم

در دل توفان و کوران می بینید
رد پایم را بر سینه شان.

زندگی به خیزابهای عیان مانده است
در موج خیز آن، تولا کردم و بر فراز آدم
دستم را حذب و طمن گرفت
و از دل شب به روشنی روز درآمد.

تبریز، میسر آزادی شد
مردن، محوی و سلما سها و آب آن
و دیگران بسان کودکی گریان، هق هق نزد
جاری گشت و زیبا و دلنشین، آواز خواند.

نفس بهار، چهچه مرغان
درختان خزان زده را زندگی بخشید
برادر فدایی من در سنگر
تبریز رشکوه را، به زیور جنبش آراست.

دختران محبوس در چادر چاقه، از زندان ستم
رستند

و در بهار زندگیشان، سعادت را لمس کردند
کودکان، از زیر زمینهای خیس بیرون جستند
و عشق مدرسه و کتاب در دلشان جوان زد.

فقر و گرسنگی، همچون برفی در آفتاب بهار
ذوب گشت و به بخارتبدیل شد
پاتلاش دولت ملی
زمستان، بجای خود را به بهار رشکوفه ای سپرد.

حالیات تبریز در خیال من، چونان عیان است
سینه اش جو شان است و هوای طغیان در سردار
حصار صخره ها و میله های آهنین را
می خواهد در هم بشکند و سرانیز شود...

سرتا پاشو رم ای سرزمین محبوب!
تادگر باره در برکنم تن پوش فدایی ام را
تفنگ به جای قلم برگیرم
تا میهن رهایی یابد از چنگال بیگانگان.

دشمن بیهوده فخر می ورزد و بر ماندگاری خود
باورش می آید

می گویند رو سیاهی به ذغال می ماند
دیگر بار خورشید برام تبریز رخشان می شود
خانه به خانه می گردد و بد زنور می افشاند...

آن دود و مه از دل آسمان سترده خواهد شد
آسمان شیشه خواهد کشید چونان اسبی کهر
تگرگ برینجره ها خواهد خورد
غریبی برخواهد خاست، همچون آذر رخس...

می دانم ای راههای پر نشیب و فراز
باز بر شمساکم خواهم زد، با چهره ای شادان
این است تنها آرزوی من درد نیا:
یک زندگی با معنا، یک مرگ با شرف!

مردم چه می کنند

بخشی از سخنرانی نماینده گنبد و ترکمن صحرا در
جلسه ۴ آذر مجلس:

"... گنبد و ترکمن صحرا با حدود ۷۵۰ هزار نفر جمعیت و یک سوم وسعت استان مازندران بسان ایرانی کوچک است در دل ایران بزرگ. زیرا هم سرسبزی و طراوت تنگابستان را داراست هم خشکی و کویری سمنان را. اکنون فصل کشت است و جنگلانی منطقه جلوی کشت حدوداً ۱۰ هزار هکتار از اراضی مزروعی نوار مرزی که حداقل ۲۰ سال است به زیر کشت می رود گرفته است که در این رابطه نقشی نیز با سرچنگل داری محترم صورت گرفت و قرار شد که زمینهایی که مزروعی تشخیص داده شد به زیر کشت برود ولی ما موریمن منطقه با برخورد های غیر اسلامی که تداعی برخورد های رژیم گذشته را در ذهن مردم ایجاد کرده است با وعده های امروز و فردا کشت این زمینها را معوق گذاشته است. من در اینجا هشدار می دهم که اگر وضع چنین ادامه پیدا کند مسئولیت عدم کشت این زمینها و خسارات ناشی از آن متوجه برادران مسئول در جنگل و مرتع خواهد بود." وی سپس به شیوع بیماری سالك در منطقه اشاره کرد و گفت:

"این بیماری یک بیماری سابقه دار در نوار مرزی می باشد. در بین روستائیان به زخم مرزی نیز مشهور است. عامل اصلی این بیماری موشهای صحرایی و ناقل آن پشه خاکستری می باشد که بایستی برای جلوگیری این بیماری، این عوامل توسط طعمه گذاری و سم پاشی از بین ببرند ولی متأسفانه بی توجهی و بی لیاقتی مسئولین بهداشتی استان هیچگونه اقدامی به جز سم پاشی چند پاسگاه در نوار مرزی انجام نگرفته است که هم اکنون شاهد این بی توجهی مسئولین بهداشتی در منطقه می باشیم، بطوریکه عمق قتیبه چقدر فاجعه آمیز می باشد این بیماری از نوار مرزی گرفته در خود شهر نیز دیده می شود که اگر سم پاشی می شد اینگونه نمی گردید. این جای تعجب دارد."

وی در پایان سخنان خود گفت: منطقه گنبد و ترکمن صحرا هم اکنون در رابطه با مسئله اعتیاد بیداد می کند بطوریکه نوجوانان مایکی پس از دیگری سقوط می کنند و آن استعداد های اخلاقی که چرخهای صنعت و اقتصاد مملکت به آنها بستگی دارد، یکی پس از دیگری کسور می گردند. در اینجا شاهد دختران و عروسان جوانی هستیم که به دامن اعتیاد گرفتار شده و کار به جایی کشیده که برای تأمین مواد مخدر دست به هر اقدامی می زنند که این مایه ننگی برای جمهوری اسلامی که اساس آن بر مبنای قوانین اسلامی است می باشد. و اگر چنانچه وضع به این منوال پیش رود در آینده خبری از منطقه ترکمن صحرا به عنوان قطب کشاورزی

نیست و گویا مسئولین هم منتظرند تا اینکه نیمی از مملکت دچار اعتیاد شود و بعد اقدام کنند که این قتیبه "نوش دارو بعد از مرگ سهراب خواهد بود."

روزنامه کیهان ۱۸ آذر:

"زن باردار ۴۲ ساله ای بنام نصرت شکیبائی از روستای "کشه" واقع در ۴۰ کیلومتری نطنز جهت زایمان در بخش اورژانس بیمارستان نطنز بستری شد، اما بخاطر فقدان متخصص زایمان و ماما، از همین بیمارستان تلفنی با زایشگاه کاشان در ۷۰ کیلومتری نطنز تماس گرفته می شود، اما زایشگاه کاشان ضمن خودداری از پذیرش بیمار، خاطرنشان می سازد که اگر زائورا به کاشان بیاورید، او را به اصفهان منتقل میکنیم و گویا قبلاً نیز در موارد مشابه پاسخ منفی داده است."

بنابراین زن حامله با آمبولانس از بیمارستان نطنز بسوی اصفهان روانه شد ولی متأسفانه در فاصله ۷۰ کیلومتری نطنز - اصفهان در داخل آمبولانس جان سپرد. جسد این زن از نیمه راه به روستای "کشه" انتقال یافت و پیکان سپرده شد. از این زن ۶ فرزند بجا مانده است."

نماینده اهر در جلسه ۱۱ آذر ماه مجلس: "استان آذربایجان شرقی از لحاظ وسعت و جمعیت معادل چندین استان کشور است و یکی از شهرهای آن که شهرستان اهر است با ۱۲۱۹۷ کیلومتر مربع معادل ۸۵ درصد وسعت استان کهگیلویه و بویراحمد است و ۶۲/۹ درصد استان گیلان و ۸۲/۳ درصد استان چهارمحال بختیاری است این شهرستان وسیع که از کشور لبنان نیز بزرگتر است و دارای اراضی حاصلخیز و امکانات طبیعی و معادن غنی است لیکن در اثر کمبود شدید امکانات زیربنایی و اجتماعی از محرومترین مناطق ایران بشمار رفته و قسمت هایی از آن جزو مناطق آلوده به بیماری جذام می باشد. محرومیت شهرستان اهر با ذکر پاره ای از ارقام زیر نشان داده می شود:

۸۱/۴ درصد روستاهای این شهر فاقد حمام است این نسبت در مورد روستاهای دهستانهای چهارانگه، دیلگه و رگهان، بافت، کلیبر، گرمادوز و میشه پار از همین شهرستان صد درصد می باشد.

۹۴/۲ درصد زنان مناطق روستائی این شهرستان بیسوادند، تعداد پزشک این شهرستان ۵/۲ درصد نیاز آن و تعداد پرستار ۴ درصد آن و تعداد تخت بیمارستانی موجود ۴/۲ درصد نیاز آن می باشد.

۹۹/۷ درصد روستاهای این شهرستان از امکانات مخابراتی و ۹۰/۸ درصد این روستاها از امکانات پست دولتی محروم می باشد. (کیهان ۱۲ آذر)

سه مصاحبه در حاشیه گردهمایی سالانه "شورای جهانی صلح"

● شهر تورنتو در روزهای ۲۳ تا ۲۶ نوامبر امسال شاهد گردهمایی پرشور نمایندگان جنبش های هوادار صلح از کشورهای مختلف جهان در چارچوب اجلاس سالانه "شورای جهانی صلح" بود. گزارش این اجلاس که با حضور رامش چاندرا، رئیس شورا برگزار شد، در شماره پیشین "اکثريت" از نظر خوانندگان گذشت. در این شماره سه مصاحبه با سه تن از شخصیت های برجسته شرکت کننده در این اجلاس به چاپ می رسد. این مصاحبه ها را خبرنگاران "اکثريت" در محل گردهمایی شورای جهانی صلح با شخصیت های مذکور انجام دادند.

مصاحبه با گاس نیوپورت

معاون شورای جهانی صلح و شهردار شهر یوکلین (کالیفرنیا)

● س. - به نظر شما چه خطراتی صلح جهانی را تهدید می کند و در این میان جنگ ایران و عراق چه نقشی دارد؟

ج. - من فکر می کنم در تاریخ جهان هیچگاه صلح جهانی تا بدین حد در معرض خطر نبوده است. نوع سلاح هایی که ساخته شده است و پیوندهای تسلیحاتی ظرفیت نابودی تمامی بشریت را دارند. جنگ ایران و عراق نیز کانونی است که از آنجا صلح در منطقه و جهان تهدید می شود. این جنگ در ادامه تحریکات امپریالیسم در منطقه خلیج فارس شعله ور گشت. در منطقه ای که آمریکا همیشه قصد کنترل آن را داشته است. علت آن هم جریان نفت و سایر منابع است که برای آمریکا اهمیت حیاتی دارد.

اگر بخواهیم دقیق تر به موضوع بنگریم باید به تاریخچه روابط آمریکا با شاه برگردیم. در حال حاضر نیز آمریکا امیدوار است چنان روابطی را با ایران برقرار کند که بتواند دوباره منابع این منطقه و پیوندهای نفت را زیر کنترل خود داشته باشد. آمریکا برای کنترل کامل خلیج فارس، در تداوم جنگ ایران و عراق حتی احتمال دارد به جنگ محدود هسته ای نیز روی بیاورد. به نظر من جنگ ایران و عراق باید خاتمه یابد. کشورهای منطقه باید در سایه صلح و آرامش به رشد و توسعه خود ادامه دهند و به آمریکا بفهمانند که دیگر ظرفیت کنترل همه مناطق دنیا را برای حفظ منافع خویش ندارد.

● س. - همانطور که می دانید بیش از نیمی از جنگ بی معنای ایران و عراق می گذرد. سازمان ما این جنگ را به نفع امپریالیسم و حضور وی در منطقه خلیج فارس ارزیابی نموده است. نظر شما در این مورد چیست؟

ج. - آمریکا کشوری است که با دارا بودن ۴ درصد جمعیت جهان ۴۰ درصد از منابع دنیا را کنترل می کند. آمریکا می خواهد بر روی جریان نفت و سایر منابع خلیج فارس همچنان سلطه داشته باشد، حضور خود را در این منطقه حفظ کند و به طرفین درگیر اسلحه بفروشد. آمریکا در سایه تداوم جنگ می تواند جای پای خود را در منطقه محکم کند و از همپایان به نفع این کشور است که جنگ ادامه داشته باشد.

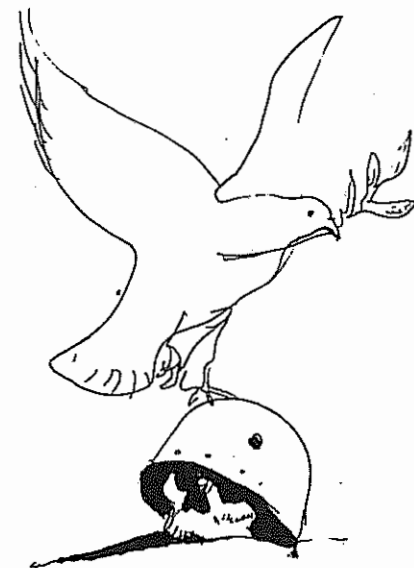
● س. - شما از نزدیک با سیاست خارجی آمریکا آشنا هستید. نظراتان در این مورد و نیز آینده جنبش صلح چیست؟

ج. - سیاست خارجی آمریکا تنها هدفش حمایت از سرمایه های شرکت های چند ملیتی در تمام دنیا نیست. این سیاست هیچ ربطی به امنیت ملی آمریکا ندارد. این سیاست مغایر با منافع همه خلقهاست و باعث شده است ثروت مردم آمریکا در راه هایی خرج شود که به اقتصاد جامعه ما لطمه زده و آمریکا به صورت یک کشور سلطه گرد آید. این سیاست باعث سقوط جامعه ما خواهد شد.

اما در مورد جنبش صلح: شما به همین کنفرانس بنگرید، کنفرانسهایی از این قبیل مردم را آموزش می دهند که شرایط و مسائل موجود را درک کنند. بعنوان مثال در آمریکا به دلیل کنترل وسایل ارتباط جمعی، تنها عده کمی

می فهمند در ایران و سایر نقاط دنیا چه می گذرد. این قبیل کنفرانس ها به مردم انرژی لازم را می دهند تا جنبش صلح را توسعه و استحکام بخشند.

جنبش صلح در آمریکا ویژگیها و مسائل خودش را دارد. به عنوان مثال مادر آمریکا با مساله نژادپرستی مواجه هستیم. مبارزه با نژادپرستی نیز جزو برنامه جنبش هواداران صلح است. ما به مردم توضیح می دهیم که به دلیل



پیشرفت تکنولوژی، همه کشورها در صورت بروز جنگ به یکسان در معرض خطر نابودی قرار می گیرند. بنا بر این ما باید همگی تلاش کنیم تا صلح در همه جا استقرار یابد.

ما امید داریم جنبش صلح را در آمریکا تا بدان حد تقویت کنیم که همچون جنبش ضد جنگ ویتنام همه گیر شود تا از این طریق بتوانیم حداقل دولت ریگان را کنترل کرده و حتی به این موفقیت دست یابیم که این دولت را کنار بگذاریم.

من همیشه بر این باور بوده ام که تاریخ با مردمی است که برای عدالت و صلح، مبارزه می کنند.

مصاحبه با جوزف کرجسی، معاون کمیته صلح چکوسلوواکی

● س. - آقای جوزف کرجسی، شما معاون کمیته صلح چکوسلوواکی هستید. ممکن است در مورد این کمیته برای ما توضیحاتی دهید؟

ج. - جنبش صلح چکوسلوواکی دیر زمانی است که پا گرفته است. کمیته صلح در کشور ما همگام با آغاز اعتلای جنبش صلح در سطح جهانی آغاز به کار کرد. در طی ۳۵ سالی که از عمر این کمیته می گذرد ما فعالیتهای زیادی انجام داده ایم. به عنوان نمونه سال گذشته پراگ شاهد یک گردهمایی عظیم جهانی برای صلح و خلع سلاح بود. در این گردهمایی ۶۵۰ نماینده از ۱۳۰ کشور شرکت کردند.

کمیته صلح چکوسلوواکی به کشورهای در حال رشد و جنبشهای رهایی بخش توجه خاصی دارد. ما معتقدیم پیروزی این جنبشها تاثیر مستقیمی بر روی صلح جهانی می گذارد. ما فقط از راه تبلیغ از انقلابات رهایی بخش پشتیبانی نمی کنیم. بعنوان مثال مادر کشور خود یک "صندوق صلح" داریم که در آن کمکهای داوطلبانه مردم برای یاری رساندن به جنبشها و کشورهای در حال رشد جمع آوری می شود.

● س. - نظر شما در مورد جنگ ایران و عراق چیست؟

ج. - به جنگ ایران و عراق باید از زاویه توطئه های امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه نگریم. این امریکاست که آتش این جنگهای محلی را برمی افروزد تا حضور نظامی و اقتصادی خود را در نقاط مختلف جهان حفظ کند.

اکنون به نفع امپریالیسم است که جنگ ایران و عراق ادامه داشته باشد. این جنگ مشکلات خاور میانه را دچار پیچیدگی بیشتری ساخته و مانع استقرار صلح در این منطقه گشته است. این جنگ خانمانسوز قربانیهای بی شماری گرفته است. باید هرچه زودتر به این جنگ خاتمه داده شود.

● س. - اکنون دفاع از جان هزاران زندانی سیاسی در ایران اهمیت بین المللی یافته است. در این مورد چه فکر می کنید؟

اعتراف رسمی دولت ترکیه به توافق با رژیم ج.ا. برای سرکوب خلق کرد

نوشته است :

" بنا به گزارش وزارت امور خارجه ترکیه ، ایران و ترکیه برای متوقف کردن فعالیت کرد های تجزیه طلب (که در اصطلاح مطبوعات غرب برای جنبش ملی خلق کرد به کار می رود) در امتداد مرزهای مشترک خود به توافق رسیدند . یک سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه گفت این توافق در جریان دیدار شیخ الاسلام معاون وزارت خارجه ایران با قائم مقام وزارت خارجه ترکیه بدست آمده است ."

در شماره های پیشین "اکثريت" ، مطالبی پیرامون توافق رژیم جمهوری اسلامی با دیکتاتوری نظامی ترکیه برای اشتراك مساعی در سرکوب خلق کرد آمده بود . اینک به گزارش رسانه های گروهی ، مقامات دولت ترکیه رسماً به حصول توافق با دولت ایران در این زمینه ، اعتراف کرده اند .

روزنامه " زود دویچه تسایتونگ " چاپ آلمان فدرال در شماره سی ام نوامبر خود

بزرگداشت رزم قهرمانانه دانشجویان پلی تکنیک آتن

نفران دانشجویان به شهادت رسیده و دهها نفر زخمی شدند .
اکنون هر ساله روزهای ۱۵ تا ۱۷ نوامبر ، محوطه پلی تکنیک آتن ، حکم میعادگاه خلق برای بزرگداشت آن رزم قهرمانانه و تدویم مبارزه علیه سرمایه داری و امپریالیسم را پیدامی کنند . احزاب مترقی ، انجمنهای دانشجویی و دانش آموزی ، شخصیتهای اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و هنری همراه با صد ها هزار نفر از مردم در محوطه پلی تکنیک اجتماع کرده و با تارک در پیای مجسمه یاد بود شهادی پلی تکنیک خاطره این روز را زنده نگه می دارند و در روز ۱۷ نوامبر یک راهپیمایی عظیم چندصد هزار نفره به سمت سفارت آمریکا ، خشم و نفرت خود را از این دشمن بشریت عیان می سازند .
امسال نیز جشن پلی تکنیک باشکوه فراوانی برگزار شد . هواداران حزب تودما ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) فعالان در این مراسم شرکت جستند و با برپایی میز نشینات و پخش اعلامیه به افشای سرکوب و اختناق در جمهوری اسلامی پرداختند . استقبال مردم شرکت کننده در مراسم که دیرزمانی نیست از ستم دیکتاتوری سرنگنهارهایی یافته اند ، از این افشاگرها بسیار چشمگیر بود . آنها همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران ابراز داشته و برای رفقای ما آرزوی موفقیت می کردند .

در ماه نوامبر سال ۱۹۷۳ ، دانشجویان مبارز یونان برای اعتراض به رژیم دیکتاتوری و سرکوب و اختناق ، در محوطه دانشگاه پلی تکنیک آتن اجتماع کردند و با پخش شعار توسط بلندگو و یا دستگاه فرستنده رادیویی که در درون دانشگاه نصب کرده بودند ، مردم را به همبستگی با مبارزه خود فراخواندند . بسیاری از مردم آتن در اطراف پلی تکنیک گرد آمدند و با شعارهای دانشجویان همصد شدند .

فرستنده رادیویی مرتب علیه کودتاگران و امپریالیسم آمریکا شعار پخش می کرد . شعار دانشجویان مبارز " نان ، آزادی ، تحصیل " ، " سرنگون باد رژیم کودتا " ، " خراب یونان از ناتو " و " خراب آمریکایی ها ز یونان " بود . اجتماع دانشجویان که از ۱۴ نوامبر آغاز شده بود ، با پیوستن مردم آتن به آنها در روز ۱۷ نوامبر ، جمعیتی بالغ بر هزار نفر را در بر می گرفت .

روز ۱۷ نوامبر ، سرنگها ، به نیروهای نظامی دستور دادند که به هروسیله ممکن مقاومت دانشجویان را درهم بشکنند . نیروهای ارتشی با شگستن در پلی تکنیک به وسیله تانکها و شلیک مسلسل وارد دانشگاه شده و همه موانع موجود در سر راهشان را درهم کوبیدند . در جریان این سرکوب خونین چندی

پیامهای تبریک به کمیته ... بقیه از صفحه ۳
رگبار مسلسل های پاسداران ارتجاع حاکم روبرو می شوند .

در چنین شرایطی ، بدون شک ، پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما بمثابة تبلور اراده و خرد جمعی کمونیستهای ایرانی در تدقیق خط مشی انقلابی سازمان ، راهگشای ما بسوی تشکیل جبهه متحد خلق و نبرد آشتی ناپذیر ما با امپریالیسم و ارتجاع می باشد .

رفقا !

برگزاری پیروزمندانه پلنوم کمیته مرکزی سازمان در شرایطی که ارتجاع حاکم در ایران فقط برای باند های مترجع حاکمیت جمهوری اسلامی حق فعالیت سیاسی قائل است ، شست محکمی بود بر دهان گشاد و یاوه پردازان حکومت ارتجاع . دست آوردهای این گرد همایی تاریخی بمثابة حاصل فرآیند مبارزه متشکل و افتخار آفرین

ج - بسیار غم انگیز است که از دل انقلاب ایران یک رژیم مترقی برنخاست ، انقلاب ایران یک انقلاب بوسیله رژیم جمهوری اسلامی به شکست کشانده شد ، دسترنج مردم پامال گردید ، هزاران نفر از انقلابیون به زندان افکنده شده و هزاران نفر در خفا تیرباران شدند . افکار عمومی جهانی باید این جنایتها را محکوم کند و همه تلاش خود را برای نجات جان زندانیان سیاسی در ایران به عمل آورد .

من به پیروزی مردم ایران اعتقاد دارم . سازندگان آن انقلاب عظیم را نمی توان پس زندان و شکنجه و کشتار ، از پا انداخت . مصاحبه با ویلوم هنسن ، رئیس کمیته صلح و امنیت دانمارک

س - نظر شما در مورد جنگ ایران و عراق چیست ؟

ج - از آنجایی که فعالیت های ما در رابطه با جنگ و صلح در جهان می باشد ، طبیعتاً جنگ ایران و عراق برای ما اهمیت دارد . ما فکر می کنیم که این جنگ ، جنگی است مضحک که تنها ثمره آن ریختن خون هزاران جوان بوده است .

در آغاز عراق جنگ را آغاز کرد ، با این تصور که صاحب یک پیروزی سهل و آسان خواهد شد . اما حسابش غلط از کار آمد . در حال حاضر جنگ مدت ۴ سال است که ادامه دارد . این سران جمهوری اسلامی هستند که بر تدویم جنگ پافشاری می کنند . این جنگ هر چه زودتر باید خاتمه یابد . ما در این رابطه از هر نوع کوششی که برای خاتمه دادن به این خونریزی از جانب سازمانهای بین المللی از جمله سازمان ملل و نیز از سوی آقای الاف پالعه نخست وزیر سوئد به عمل می آید ، پشتیبانی می کنیم .

س - آقای ویلیام هنسن ، شما پیش از چهار سال در ایران بوده اید و از نزدیک با انقلاب ما آشنایی دارید ، در مورد فجایعی که در کشور ما رخ می دهد ، چه فکر می کنید ؟
ج - آری ، من چهار سال و نیم در کشور شما زندگی کرده ام . من ایران را از صمیم قلب دوست می دارم . وقتی که در سال ۱۹۷۸ انقلاب به وقوع پیوست من با تمام وجود از آن حمایت کردم . ولی بسیار غم انگیز است که این انقلاب سریعاً با شکست مواجه شد .

در کشور ما دانمارک در مورد زندانیان سیاسی ایران مطالب بسیاری گفته و نوشته شده است . اکثر اطلاعات ما در این مورد از طریق سازمان عفو بین المللی است . بهر حال ما اطلاع داریم که در زندانهای جمهوری اسلامی چه می گذرد . متأسفانه در این مورد دست ما برای کمک عملی باز نیست و تنها می توانیم به افشاگری بپردازیم . همگان باید بدانند که در زندانهای سیاسی ایران چه فجایعی رخ می دهد .

رفقای رهبری :

ما این پیروزی بزرگ را با همه وجودمان به شما شادباش می گوئیم و با پشتیبانی از تصمیمات پلنوم آمادگی خود را جهت اجرای تصمیمات و رهنمود های مصوبه اعلام می داریم .

د رود بر کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) !

پیروز باد پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) !

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا !

کمیته استان سیستان و بلوچستان آبانماه ۱۳۶۳

زنده باد اعتصاب گران قهرمان ذوب آهن اصفهان!

بقیه از صفحه اول

پیش از اینکه به آخرین اخبار واصله از اعتصاب ذوب آهن بپردازیم، به این طرح ارتجاعی و سوابق آن نظر می افکنیم.

"طرح تعاونی کردن" چیست؟

آنچه که رژیم آنرا "تعاونی کردن" می نامد، نه فقط هیچ شباهتی با این موضوع ندارد بلکه کاملاً ضد تعاونی کردن می باشد. مطابق طرح رژیم کارکنان مجتمع های صنعتی بزرگ از قبیل ذوب آهن اصفهان و یا نورد اهواز، ابتدا باید اخراج شوند و پس از تصفیه حساب هر دسته ای از آنان می توانند با مشارکت یکدیگر، یک واحد تعاونی تأسیس نمایند، از قبیل تعاونی آرماتوربند ها، نقاش ها، جوشکار ها و ... مسئولین این تعاونی ها باید به "سازمان گسترش تعاونی های تولیدی" مراجعه و بر اساس ضوابط این سازمان، خود را به ثبت رسانند. پس از اتمام کارهای حقوقی، این تعاونی ها اجازه می یابند به مثابه یک پیمانکار بخش خصوصی برای به مقاطعه گرفتن بخشی از کارها، به مسئولین مربوطه در مجل کار سابق مراجعه نمایند و طرح ها، و مبلغ پیشنهادی خود را برای انجام یک کار معین ارائه دهند. مدیران مجتمع با روش مناقصه با آنها طرف می شوند. هر گاه به تشخیص مدیران، پیشنهادات تعاونی بر دیگر پیشنهادات برتری داشته باشد با آنها قرار داد بسته و بخشی از کار را به مقاطعه به آنان واگذار می کند.

این تعاونی ها به طور عمومی از هیچ اولویتی در برابر دیگر رقبا برخوردار نیستند. اگر چه در مرحله کنونی مدافعین این طرح فریبکارانه ادعا می کنند که مقاطعه کاران بخش خصوصی به رقابت با تعاونی های کارکنان کشیده نخواهند شد، اما هیچ تضمین و تعهدی را از این بابت قبول نمی کنند. تجربه ای که تا کنون در اهواز و در پولاد شهر طی شده خلاف ادعای فریبکارانه مسئولین را نشان می دهد. تعاونی های کارکنان ناچارند در یک شرایط یکلی نابرابر با رقبای پر تجربه بخش خصوصی به مقابله برخیزند. از پیش پیداست که نتیجه این مقابله به سود بخش خصوصی خواهد بود.

برای شرکت در تعاونی کارکنان هیچ محدودیتی نیست. از نظر حقوقی برای عضویت در این تعاونی ها هیچ تفاوتی میان کارکنان اخراجی و اشخاص دیگر وجود ندارد. هر داوطلبی می تواند در این تعاونی ها عضو شود.

بنا به محاسبه دقیق کارگران، درآمد آنها از طریق کار تعاونی به مراتب کمتر از وضعیت کنونی خواهد بود. با توجه به اینکه درآمد کنونی نیز از مقدار مورد نیاز برای

حداقل زندگی کمتر است، کاهش آن غیر قابل تحمل و پذیرش است. در چنین صورتی کارگران ناچار خواهند شد برای تأمین درآمد در سطح پیشین، بر شدت و زمان کار بیفزایند. بر اساس طرح تعاونی، سرپرستی مجتمع ها هیچ مسئولیت و تعهدی در برابر اعضا تعاونی ندارد. تعاونی ها، در ظاهر با یک شخصیت حقوقی مستقل در کنار سرپرستی، به عنوان طرف قرارداد، جای خواهند گرفت. بدینگونه از پوشش بیمه، بازنشستگی، مرخصی و ... خارج خواهند شد.

از نتایج این طرح تفکیک بخش های مختلف مجتمع و تحویل آن به پیمانکاران بزرگ بخش خصوصی خواهد بود. به علت امکانات نازل تعاونی ها از نظر سرمایه، ماشین آلات و ... رقابت آنان با پیمانکاران بزرگ غیر ممکن است. در چنین وضعیتی پیمانکاران بخش خصوصی بر همه بخش های مجتمع مسلط خواهند شد. اجرای این طرح تولیدات را به شدت کاهش داده و از رشد و توسعه مجتمع جلوگیری می کند. تجربه نورد اهواز شاهد این مدعا است. تجربه دیگر تعاونی شدن بخش ساختنانی پولاد شهر اصفهان است. با تحمیل این طرح در پولاد شهر، کار ساختنانی تقریباً به طور کامل متوقف شد. نتیجه این شد که همه آن سرمایه های هنگفتی که صرف گسترش مناطق مسکنی کارکنان گردیده بود، به دورن بهره گیری رها شده است. کارگرانی که در زاغه های کهنه شده در دل کوه زندگی می کنند، از دور به ویرانه های تأسیسات ویرانه شده ای نظاره می کنند که بنا بود خانه آنها باشد.

کارکنان نورد اهواز، اولین قربانیان این طرح "تعاونی کردن" اول بار در سال ۶۰ در مجتمع فولادریزی نورد اهواز پیاده شد، که



اخراج هزاران کارگر و کارمند را در پی داشت. طراح این طرح شوم علی الظاهر، موسویانی سرپرست این مجتمع بود، که آن را در سال ۵۹ ارائه کرد. در اواسط اسفند ۵۹ احمدزاده وزیر مشاور دولت وقت در امور صنایع فولاد، طرح موسویانی را تأیید و تصویب نمود. بدنبال آن در خرداد ۶۰ در تدارک اجرای این طرح، مجتمع نورد اهواز را تعطیل کردند. نشریه "کار" ارگان سازمان ما در همان زمان اعلام داشت که احمدزاده و همدستانش در ارتباط با انحصارات امپریالیستی و در جهت منافع آنان این طرح ارتجاعی را پیش کشیده اند. "کار" فاش ساخت که احمدزاده از طریق مشاوران اصلیش (شیبانی، نایاب، گوشه و ...) شرکت ملی فولاد ایران را کانون زد و بند بسا انحصارات امپریالیستی و اطرافگاه کارشناسان آنها کرده است. طرح "تعاونی کردن" ریشه در چنین زد و بند هایی دارد.

نشریه "کار" در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ م تذکر شده بود، اجرای این طرح "آنچه را که توسط انقلاب زیر ضرب قرار گرفته بود، دوباره احیای خواهد کرد ولی این بار با شکل و شمایل سی جدید. یعنی ترمیم و گسترش روابط سرمایه داری با پوشش تعاونی ها."

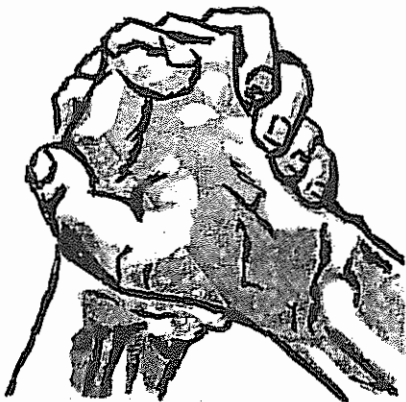
بهر صورت این طرح بغایت ارتجاعی به کارکنان تحمیل گردید، مجتمع تعطیل شد و امور آن یکلی متوقف شد. مقاومت و اعتراض کارگران با کمک ارگانهای سرکوب درهم شکسته شد. چندی بعد کار در این واحد با سازماندهی تازه از سر گرفته شد. نتیجه از پیش پیداست، هزاران کارگر اخراج شدند، همه تعهدات کارخانه در برابر کارکنان لغو و آنان از همه حقوق خود محروم شدند. هم رانده مان و هم کیفیت کار بشدت تنزل کرد. با این وضعیت رژیم امکان یافت پستی پیمانکاران و مهندسین مشاور بخش خصوصی را به مجتمع باز کند. در ادامه آن در سال جاری طرح هایی را برای دادن کارهای بیشتری به پیمانکاران و انحصارات امپریالیستی آماده اجرا کرده اند.

سوابق "تعاونی کردن" در ذوب آهن اصفهان

چند ماه پس از تحمیل این طرح به مجتمع فولاد اهواز، با همان قصد و نیت به سراغ مجتمع ذوب آهن اصفهان آمدند. در اینجا نیز با همان روش موفق شدند در زمستان سال ۶۰ در بخش ساختنانی پولاد شهر اصفهان (شهرک مسکنی کارکنان ذوب آهن) طرح تعاونی کردن را پیاده نمایند. نتیجه برابر بود. بیش از ۲۵۰۰ تن از کارگران این بخش اخراج شدند و در زمستان سخت آن سال بیکار و سرگردان ماندند و کار توسعه پولاد شهر دچار اختلال گردید.

در روز ۷ آذر - يك روز پیش از تاریخی که برای اعلام لغو نهائی طرح مقرر شده بود - ارگان های سرکوب مبادرت به دستگیری نمایندگان کارکنان و تعدادی از فعالین این حرکت اعتراضی کردند. دستگیر شدگان را بلافاصله روانه زندان نموده و وحشیانه تحت شکنجه قرار دادند. برخی از آنها را چنان شکنجه نمودند که بناچار در بیمارستان های شهر بستری شدند.

خبر دستگیری و شکنجه به سرعت در واحدهای مختلف این مجتمع پخش شد. کارگران با خشم و انکس نشان داده و قاطعانه بر ادامه مبارزه پای فشردند. در روز شنبه دهم آذر اعتصاب کاملاً یکپارچه و فراگیر گردید. استانداری دیگر مقامات استان که برای وادار ساختن کارگران به شکستن اعتصاب به محل کارخانه آمده بودند، ره بجائی نبردند. بهانه همیشگی سران رژیم دال بر شرایط جنگی کشور و منع اعتصاب، به حربه زنگ زده ای مبدل شده است. کارگران استانداری را با تسخر بازگرداندند. در پی آن، علاوه بر اقدامات تارگانهای سرکوب و دیگر اقدامات مسئولین که در شماره قبل آورده بودیم، مدیریت به رانندگان سرویس ها دستور داد تا از آوردن کارگران به محل مجتمع خودداری نمایند. اما این توطئه نیز عقیم ماند. رانندگان در هماهنگی با کارکنان اعضای به کار ادامه دادند و اعتصاب در محل مجتمع هم چنان با یکپارچگی ادامه یافت. در این مرحله بود که بنا به اخبار واصله رژیم پرسی مرعوب ساختن کارگران به سفاکانه ترین جنایت دست یازیده و ده تن از کارکنان زندانی را در محوطه کارخانه تیرباران نمود. به این ترتیب این اعتصاب سرسختانه را به خون نشید. اما نتوانست کارگران را به تسلیم بکشاند. بنا به آخرین گزارشات در هفته گذشته نیز حرکات اعتراضی کارکنان به اشکال مختلف ادامه یافت. رزم پر شوه پولادگران قهرمان و دیگر سر کارکنان ذوب آهن اصفهان به مثابه ورق زرینی در تاریخ جنبش کارگری ایران ثبت خواهد شد و نشانه توانمندی طبقه ای است که طومار حاکمیت مرتجعین را برای همیشه در خواهد نوردید. ●



از قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی سازمان، درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده ای و وظایف ما

★ در وضعیت کنونی جنبش کارگری رشد یافته ترین بخش جنبش مطالباتی و اعتراضی خلق است. سرکوب خشن مبارزات حق طلبانه کارگران سیاست رسمی هیئت حاکمه است. جنبش مطالباتی و اعتراضی توده کارگران گسترش و عمق می یابد. خواستهای این جنبش عمدتاً اقتصادی است و در آیهخته با آگاهی سیاسی و طبقاتی دنبال میشود. اشکال عده مبارزه کارگران عبارتند از: اعتصاب، کم کاری و انسداد اعتراضات دسته جمعی. تشکلهای کارگری تغییر شکل می یابند و بر شرایط تازه منطبق میشوند. تشکلهای علنی، سندیکاها و شوراهای هیات های نمایندگی، تعاونی های کارگری در گسترش مبارزه توده کارگران نقش اساسی دارند. هسته های مخفی فعالین کارگری در رهبری مبارزه کارگران نقش برجسته ای می یابند و هدایت بسیاری از تشکلهای علنی، سندیکاها و شوراهای اتحادیه های تعاونی را بر عهده می گیرند. ایجاد هسته های مخفی متشکّل از فعالین جنبش کارگری در واحدهای تولیدی برای رهبری مبارزه توده ای کارگران هر روز اهمیت بیشتری کسب میکند. جنبش توده ای کارگری میدان اصلی فعالیت انقلابی سازمان است و سازماندهی و ارتقاء جنبش کارگری در صدر وظایف آن قرار دارد. ●

کارگران ذوب آهن را "مقابله با امام زمان" نامید و از آنان خواست تا هر چه زودتر توبه کنند! سخنان شیادانه رئیس دیوان عدالت اداری جمهوری اسلامی با تسخر کارگران رو پسر گردیده بود. علیرغم یای و های سران رژیم، کارگران با استواری به مخالفت با این طرح ادامه دادند. بدانگونه که تا مدت ها دیگر در کارخانه سخنی از این طرح به میان نیامد.

اعتصاب آغاز می شود

پس از دو سال، در سال جاری یکبار دیگر نغمه شوم تعاونی کردن از دهگان مسئولین کارخانه شنیده شد. و بالاخره در روزهای پایانی ماه گذشته سرپرستی تصمیم خود را دایر بر آغاز اجرای طرح تعاونی اعلام داشت. انتشار این خبر موج گسترده ای از اعتراض پریا کرد. حرکات اعتراضی کارگران، مسئولین را وادار ساخت تا نمایندگان کارکنان به مذاکره بنشینند.

هیئت نمایندگی کارکنان (متشکل از چهار مرد و یک زن) در گفتگو با سرپرستی، به نحوی مستدل ثابت کرد که این طرح ارتجاعی بوده و باید کاملاً رد یکن تلقی شود. نتیجه مذاکرات چنین شد که سرپرستی پذیرفت بار دیگر طرح را با توجه به اعتراضات کارکنان مورد بررسی قرار دهد. نمایندگان کارکنان اخطار کردند که تا روز پنجشنبه ۸ آذر تصمیم مدیریت مبنی بر لغو طرح باید اعلام شود. مذاکره با این قرار به پایان رسید. البته حرکات اعتراضی کارگران پس از این مذاکرات نیز هم چنان ادامه یافت.

این وضعیت حتی برای کارگرانی که هنوز کار خود را از دست نداده بودند، به شدت

نگران کننده بود. علاوه بر اینکه آنان نیز زیر شمشیر داموکلس "تعاونی کردن"، هر لحظه با خطر اخراج دائم روبرو بودند، امید خود را به یافتن سرپناهی در پولادشهر از دست دادند.

سران رژیم از این خرابکاری چنان به وجد آمدند که چند ماه بعد، در تابستان سال ۶۱ طرح تعاونی کردن را برای غالب بخش های این مجتمع بزرگ پیش کشیدند. اما این بار کارگران که صاحب ناشی از تجربه تعاونی کردن بخش ساختمانی پولاد شهر را به عینه لمس کرده بودند، به شدت و انکس نشان دادند. با بالا گرفتن موج اعتراضات کارگران، رژیم عقب نشست و این طرح ارتجاعی را (ظاهراً) پس گرفت.

مدیر عامل وقت کارخانه در جلسه کارکنان حاضر شد و رسماً "شایعه تعاونی کردن" را تکذیب کرد. او که همراه با نماینده امام جمعه اصفهان در این جلسه شرکت کرده بود "ضد انقلاب" را منبع این "شایعه" نامید. اما برخلاف پیش بینی او کارگران با صراحت افشاکاری کردند و به او و نماینده امام جمعه که قصد موعظه گری داشت اجازه پرگویشی ندادند. کارگران قاطعانه خواستار شدند تا این طرح برای همیشه مدفون شود.

سردمداران رژیم که به وحشت افتاده بودند به مانورهای چندی متوسل شدند. از جمله تنی چند از آنان در اصفهان در یک میزگرد تلویزیونی شرکت کردند. شرکت کنندگان در این میزگرد عبارت بودند از قائم مقام وزارت معادن و فلزات، قائم مقام وزارت کار و امور اجتماعی (درومان احمد تولکلی)، فرمانده سپاه پاسداران منطقه اصفهان و مدیر عامل کارخانه. این افراد از سویی به دفاع از طرح تعاونی کردن پرداختند و از سوی دیگر اعلام داشتند که طرح در ذوب آهن اجرا نخواهد شد. در همین میزگرد، فرمانده سپاه به تهدید کارگران مبارز پرداخت و حرکت اعتراضی کارگران را ناشی از "تحریکات کمونیست ها" نامید.

عقب نشینی حکومت، پیروزی بزرگ کارگران ذوب آهن بود. خشم رژیم با دستگیری عده زیادی از کارکنان مبارز بازتاب یافت. ایمن کارکنان را که در هدایت این حرکت اعتراضی پیروزمندان نقش بسزائی ایفا کردند، توده ای و فدائی نامیده بودند.

علاوه بر آن رژیم برای اینکه مانع مقاومت بعدی کارگران شود، وسیعاً از مهره های تبلیغی خود سود جست. کسانی مانند پرورش وامای کاشانی روانه اصفهان شدند و در مساجد این شهر با سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم کوشیدند دیگر زحمتکشان اصفهان را به رویا رویی با کارگران ذوب آهن بکشانند. امامی کاشانی در مسجد سید اصفهان، حرکت اعتراضی

مسأله گرسنگی در جهان امروز

بقیه از صفحه اول

شماره "اکثريت" درج می کنیم . این مقاله تحت عنوان "مسأله گرسنگی در جهان امروز" در نشریه Horizon منتشر گردید .

* * *

در تاریخ جهان، هیچ ملت و هیچ تمدنی از گرسنگی در امان نبوده است. شرح هبیبیت گرسنگی را برکتیه های بین النهرین، در تراژدیها شعرای یونان قدیم، نوشته های عقلای چینی و مورخان رومی، در تاریخ اروپای قرون وسطی و افسانه های قبایل آفریقایی می توان یافت .

گرسنگی، دهم بار بیش از نیمار به پای و اکیردارو بلایای طبیعی، چنان انسانها را به قربانی گرفته است . در طول قرنهای متمادن ابعاد گرسنگی نه تنها کاهش نیافته، بلکه برعکس، با شتاب افزایش یافته است . در مقیاس جهانی، رشد پیوسته نیروهای مولده، نتوانسته است مبرم ترین نیازهای بشر در زمینه تغذیه را برطرف سازد . از این رو، طبعاً این پرسش مطرح می شود که آیا باید گرسنگی را پدیده ای قلمداد کرد که چیزی از طبیعت جامعه بشری، و ضرورتی طبیعی و اجتناب ناپذیر، مانند مرگ است، و یا اینکه این معضل، یک نابسانمانی اجتماعی و "حاصل خود جامعه" است؟ به فاکتها نظر افکنیم .

بعد و عواقب گرسنگی

در نگاه نخست، علت خاصی برای نگرانی وجود ندارد . بعنوان نمونه، تولید جهانی مواد غذایی پس از جنگ جهانی دوم هموار میسر پایدار صعودی داشته است . تنها در دهه اخیر، تولید ذرت و گندم در جهان ۵۰ درصد و تولید برنج ۲۳ درصد افزایش یافت . مهمترین رشد تولید مواد غذایی چندین برابر بیش از رشد جمعیت روی زمین است . در دهه ۶۰ و ۷۰، در کشورهای غیر سو سیالیست، در برابر ۲/۸ درصد رشد تولید مواد غذایی، جمعیت ۱/۸ درصد افزایش یافت .

در نتیجه، مطابق آمار سازمان ملل متحد، در آغاز سالهای هشتاد تولید غله جهان (که البته باید تولیدات دیگر نظیر گوشت و ماهی و غیره را افزود) برای تأمین ۳ هزار کیلو کالری در روز برای هر انسان کفایت می کرد . این مقدار مواد غذایی، از رقم لازم برای برطرف کردن نیازهای بیولوژیک انسان، که معادل ۲۴۰۰ کیلو کالری است، بسیار بیشتر است .

آیا این بدان معناست که می توان مسأله گرسنگی را حل شده پنداشت؟ متأسفانه، واقعیت اوضاع بر روی کره زمین، خلاف این را نشان می دهد . اگر بخواهیم باز هم به آمار سازمان ملل مراجعه کنیم، می بینیم که امروزه

آمریکای لاتین، ۲۵ درصد آفریقایی ها و ۲۸ درصد آسیایی ها روزانه کمتر از ۲۲۰۰ کیلو کالری یعنی کمتر از حداقل لازم برای تأمین فعل و انفعالات لازم شیمیایی در بدن انسان، صرف می کنند .

در ارتباط با جنبه کیفی تغذیه، بویژه مصرف پروتئین، وضع از این هم بدتر است . دانش پزشکی، میزان نیاز انسان به پروتئین را بین ۸۰ تا ۱۰۰ گرم در روز تعیین کرده که باید ۵۰ گرم آن، پروتئین حیوانی باشد . مصرف پروتئین در کشورهای رشد یافته، تنها ۱۸ درصد این میزان و مصرف پروتئین حیوانی، ۱۹ درصد مقدار لازم است . در میلیارد انسان در کشورهای رشد یافته، تنها یک پنجم مقدار گوشتی را که یک میلیارد نفر در کشورهای پیشرفته سرمایه داری می خورند، صرف می کنند .

افسانه ها و واقعیات در باز توزیع مواد غذایی

به نظری رسد راه حل مسأله جهانی تغذیه روشن است . کافی است ما زاد و بر احتیاج را از کشورهای غنی بگیریم و به فقرا بدهیم . چنین روندی عملاً در جریان است و شتاب فزاینده ای می یابد . یک گواه این امر، تحول واردات غله کشورهای در حال رشد است . در دهه گذشته اینگونه واردات بیش از دو برابر افزایش یافته و به مرز ۱۰۰ میلیون تن در سال نزدیک شد . واردات غله از کشورهای پیشرفته سرمایه داری تا حد معینی از شدت بحران مواد غذایی می کاهد، اما نباید عوارض جنبی بسیار جدی این پدیده را از نظر و رد داشت .

اولاً وارد کردن مواد غذایی، برای کشورهای در حال رشد میلیارد ها دلار و درآینده ده ها میلیارد دلار خرج دارد . این برای بسیاری کشورها، که فاقد امکانات گسترده مالی هستند، به معنای محدودیت شدید واردات تکنیک مدرن، افزایش بهی به خارج و در نتیجه کاهش اساسی شتاب رشد اقتصادی است . البته می توان گفت که بخش معینی از صادرات مواد غذایی، در چارچوب کمک غذایی با شرایط مناسبی انجام می گیرد اما در سالهای اخیر، سهم اینگونه صادرات در جمع کل صادرات کشاورزی کشورهای سرمایه داری کاهش شتابانی یافته است .

یک نمونه بارز در این زمینه، سیاست تجارت خارجی ایالات متحده است . اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰، هنگامی که تقاضا برای غله در جهان هنوز نسبتاً پایین و ذخیره دولتی "غله اضافی" در ایالات متحده زیاد بود، سهم "کمک غذایی" در صادرات کشاورزی آمریکا به ۲۵ تا ۳۰ درصد رسید . وقتی در نیمه اول دهه ۷۰، قیمت غله در بازار جهانی به سرعت افزایش یافت، این سهم به طور محسوس رو به کاهش گذاشت و در سال ۱۹۸۰، به ۳ درصد رسید .

حدود ۴۵۰ میلیون نفر، یعنی از هر ۱۰ نفر یک تن، جزو گرسنگان مزمن به حساب می آیند و ۱/۳ میلیارد انسان غذای کافی در اختیار ندارند . این ارقام وقتی تا سقف بیشتری پی می انکیزد که در نظر داریم در دهه ۵۰ شمار گرسنگان مزمن ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر بود .

در حال حاضر، سالانه بر اثر سوء تغذیه، ۵۰ میلیون انسان، یعنی به تعداد کشتنه شدگان جنگ جهانی دوم، می میرند . گرسنگی در وهله اول ضعیف ترین هارا قربانی می کند؛ کودکان، سالخوردهگان و زنان . در هر ۱۵ دقیقه ۴۱۵ کودک زیره سال بر اثر گرسنگی جان می دهند .

در ظاهر چنین می نماید که بشریت در آن واحد، درد و سمت مخالف در حرکت است . از یک سو، افزایش مواد غذایی، بالا رفتن بازده تولید کشاورزی و ایجاد ذخیره غذایی، و از سوی دیگر، در بخشهایی از جهان که بود فزاینده مواد غذایی و افزایش شمار گرسنگان مزمن و بحرانهای غذایی به چشم می خورد .

برای روشن شدن جوانب مسئله گرسنگی، باید اوضاع کشورهای در حال رشد را که بیش از همه از کمبود مواد غذایی رنج می برند، دقیق تر مورد بررسی قرار دهیم . در بسیاری از این کشورها، مسئله تغذیه برای میلیونها انسان یک مسئله مرگ و زندگی، و در نتیجه مسئله ای در ارتباط با ثبات سیاسی، امنیت و های اقتصادی، سمت گیری اجتماعی و اصول اساسی سیاست داخلی و خارجی است .

با آنکه بیش از سه چهارم جمعیت جهان غیر سو سیالیست را مرد کشورهای در حال رشد تشکیل می دهند، سهم آنها در تولید غله تنها یک سوم و در تولید گوشت یک چهارم رقم کل است . این عدم تناسب آشکار میان ارقام فوق، عواقب فوق العاده محسوس برای مردم کشورهای در حال رشد به همراه دارد . ۱۳ درصد اهالی



اندازه‌های امید بخشی که پیشرفت علمی - فنی به روی ما می‌گشاید، به سطح واقعیات امروز پایین بیاییم. حل علی مساله مواد غذایی تنهایی تواند بادگرگو نیهای بنیادی اجتماعی در کشورهای رشد یافته علمی شود.

در این رابطه پیش از هر چیز باید به جنبه مالی مساله اشاره کرد. در ژاپن، در هر هکتار زمین کشتا و رزی ۲۰ بار بیشتر از هکتار آمریکایی و ۳۰ بار بیشتر از کشتا و رزی ۵۰۰ و ۱۰۰۰ دلار برای هر هکتار متحمل شد. دایر کردن همه زمینهای مساعد واقع در مناطق حاره، نیازمند ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ میلیارد دلار است.

بارور کردن زمینهای جدید، نیازمند منابع مالی عظیم است. برای دایر کردن زمینهای موات، در کشورهای رشد یافته باید مخارجی معادل ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار برای هر هکتار متحمل شد. دایر کردن همه زمینهای مساعد واقع در مناطق حاره، نیازمند ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ میلیارد دلار است.

اولویت اصلاحات کشاورزی و برنامه ریزی

روشن است که مساله ای با ابعاد به این گستردگی را غیر ممکن است بتوان تنها با کمک خارجی حل کرد. برای حل ریشه ای و وضع کشتا و رزی در کشورهای رشد یافته لازم است که اولویت های رشد اقتصادی بررسی شود، تجدید تو زیع همه جانبه منابع داخلی انجام گیرد، مجموعه کاملی از مسایل در زمینه راه سازی حل گردد، کاد رهای متخصص آموزش یابند و رشد رشته های اقتصادی در ارتباط با کشتا و رزی، تسریع شود. این همه، بدون بخش نیرومند دولتی، برنامه ریزی مرکزی و اصلاحات بنیادین کشتا و رزی با سمت گیری به سوی تعاونیهای دهقانی غیر ممکن است.

یک امکان دیگر، برگزیدن راه رشد متفاوت تولید کشتا و رزی، یعنی تقویت واحدهای بزرگ سرمایه داری در بخش کشتا و رزی است، واحدهایی که منابع مالی و امکانات فنی لازم برای مدرنیزه کردن کشتا و رزی را در اختیار داشته باشند. اما بزرگ مالکان، همیشه به گسترش تولید علاقه ندارند. مثلا در آمریکا لاتین، تنها ۱۴ درصد اراضی متعلق به زمین داران بزرگ زیر کشت است.

علاوه بر این، مزارع بزرگ خصوصاً به هیچ وجه صرفاً به تولید محصولات لازم برای مصرف داخلی نمی پردازند، بلکه اغلب، محصولات را در نظر دارند که امکانات مناسب برای صادرات آنها موجود و تقاضای آنها در بازار جهانی بالا باشد. از این طریق، کشت محصولات مانند قهوه، کاکائو، سویا، بادام زمینی و نیشکر به ضرر محصولات ضروری غذایی و ضرر سطح تغذیه مردم محلی افزایش می یابد.

بحنوان نمونه در ۵۶ درصد زمینهای زیر کشت غنا، کاکائو کاشته اند. در ۲۰ درصد

مانع تولید محلی شده و از این طریق، از لحاظ دراز مدت مساله مواد غذایی را شدید تر هم می کند. اینگونه صادرات، نوعی مخدر است که در دراز مدت برای مدت کوتاهی بر طرف می سازد. بنابراین روشن است که صد و رمواد غذایی تنهایی تواند وسیله موثری برای رفع موقعیتهای معین بحران شدید مانندی خشکسالی، فجایع طبیعی و غیره باشد و نه بیشتر.

زدست دانی و تکنیک چه بر می آید؟

تا آنجا که به جوانب فنی حل مساله تغذیه مربوط می شود، پیش از هر چیز باید تاکید کرد که تکنیک کشتا و رزی پیشرفته کنونی قادر است مناطق گسترده بهره برداری نشده کشورهای رشد یافته را وارد دایره تولید اقتصاد نماید. در حال حاضر، در آفریقا و آمریکا لاتین، کمتر از ۲۰ درصد اراضی بالقوه مزروعی زیر کشت قرار دارد (این رقم در اروپای غربی ۸۸ درصد است). علاوه بر این، زمینهای زیر کشت کشورهای در حال رشد واقع در مناطق مساعد تر جغرافیایی نیز، می تواند بسیار بیش از مقدار کنونی مواد آلی تولید کند.

در اغلب موارد، امکان موفقیت زمانبندی بیشتر است که به جای گسترش زمینهای زیر کشت، از فضاهای زیست موجود، استفاده بیشتری به عمل آید. آزمایشهایی که در چندین کشور آفریقایی انجام گرفته، نشان می دهد که کنترل برنامه ریزی شده و ذخایر وحوش، بسیار مفید تر است تا دامداری معمولی. مثلا در کنیا، در هر کیلو متر مربع چراگاه به طور متوسط ۲/۸ تن گوشت گاو در سال تولید می شود، در حالیکه در دشتهای طبیعی تانزانیا، منطقه ای به همین وسعت ۶/۵ تا ۱۲ تن گوشت حیوانات سم دار وحشی به بار می آورد.

افزایش محصول متوسط جهانی در واحد سطح، تا حد موجود در پیشرفته ترین کشورهای، به معنای افزایش تولیدات کشتا و رزی به میزان سه تا چهار برابر خواهد بود، به گونه ای که با آن بتوان تغذیه کامل لاقول ۱۰ میلیارد انسان را تامین کرد. و اگر بتوانیم از همه دستاوردهای پیشرفت علمی - فنی را در عرصه کشتا و رزی به کار گیریم، اراضی موجود قادر خواهد بود غذای دهها میلیارد انسان را تضمین نماید.

اما بگذرید از فرازهای چنین چشم



ثانیا، صادرات مواد غذایی، اغلب از سوی کشورهای سرمایه داری و بویژه ایالات متحده آمریکا، بعنوان ابزار اعمال فشار سیاسی به کار گرفته می شود. بیاد بیاوریم که کمک غذایی آمریکا به مصر در سالهای آخر حکومت پرزیدنت جمال عبدالناصر، که در خا و رز نزدیک مشی مستقلی در پیش گرفته بود، همزمان با سایر اشکال کمک به این کشور، قطع شد. زمانی که انوار السادات رئیس جمهور جدید سیاست کشور را تغییر داد، دروازه ها را به روی سرمایه آمریکایی گشود و قرارداد جداگانه ای با اسرائیل منعقد کرد، صادرات مواد غذایی با تخفیف مربوطه به مصر از سر گرفته شد.

چند نمونه دیگر از این گونه، بدین قرار است: هنگامی که نمایندگان رسمی هند علیه بمبارانهای آمریکا در ویتنام موضع گیری کردند، کمک غذایی ایالات متحده به این کشور سریعاً کاهش یافت. سیلان سابق نیز به همین ترتیب بخاطر ملی کردن شرکت های نفتی آمریکا "مجازات" شد. این سیاست در سالهای اخیر نیز ادامه یافته است. واشنگتن دست به "تحریم غذایی" ویتنام زد. همچنین دولت ریگان به علل سیاسی صادرات مواد غذایی به موزامبیک و نیکاراگوئه را قطع کرد.

در عین حال، صادرات مواد غذایی غرب، برای "تقویت" رژیمهای دیکتاتوری و ارتجاعی در کشورهای در حال رشد استفاده می شود. بخش بزرگی از غله آمریکا، به هیچ وجه به آن مناطقی از جهان که بیش از همه به آن نیاز دارند، صادرات نمی گردد، بلکه به وابستگان واشنگتن مانند کره جنوبی و شیلی تحویل داده می شود.

ثالثاً - و این امر به نظر ما اهمیت فوق العاده زیادی دارد - صد و رمواد غذایی بکشورهای جوان در حال رشد، عادات و رسوم تغذیه در این کشورها و نیز در بسیاری موارد کشتا و رزی آنها را تحت تاثیر مخرب خود قرار می دهد. تولید کنندگان محلی محصولات کشتا و رزی، که قادر به رقابت با مجتمع های قدرتمند کشتا و رزی صنعتی غرب نیستند، به ورشکستگی کشیده می شوند. آنها با ترک روستای خود و مهاجرت به شهرها، به صفوف لومین پرو لتریای پیوندند. بعنوان نمونه، صد و ر غله آمریکایی به هند، به تولید کنندگان در این کشور رطمه شدیدی وارد ساخته و الگوی مصرف را به سود صادرات کنندگان آمریکایی تغییر داد. در ترکیه، اینگونه صادرات به دامپروری لطمه زد، در ونزوئلا تولید ذرت و سبزیجات و در لیبیا کشت برنج را تحت تاثیر منفی قرارداد نمود. نکلیمیا در این زمینه بسیار برجسته است. در این کشور در عرض کمتر از دهه محصول گندم تا ۶۹ درصد کاهش و واردات آن ۸۰۰ درصد افزایش یافت، به گونه ای که تقاضای بازار داخلی، ۹۰۵ درصد توسط غله وارداتی پوشانده می شود.

بدین ترتیب، صد و رمواد غذایی اغلب

در حاشیه

برنامه ریزی زیروبنایی

خامنه ای :

" امروز باید طلاب تربیت کرد، امروز باید مدرسه های دینی جدید در هر جای کشور و حوزه های علمیه با بهترین وجهی تقویت شوند و توسعه یابند. به فضلا و مجتهدین و حتی کسانی که به حد اجتهاد نرسیده اند به میزان زیادی احتیاج است. برای تدوین قوانین اسلامی، برای تدوین کتب درسی در دانشگاهها، برای پیشبرد کارهای تحقیقی و آموزشی و تبلیغ در مدارس و شهرها و روستاهای کشور به اشخاصی که فقه اسلامی را بدانند احتیاج زیادی وجود دارد. بنا بر این تربیت طلاب جوان از واجب ترین کارهاست و باید با برنامه ریزی و بسیار دقیق صورت گیرد و این از کارهای بلند مدت زیر بنایی کشور است."

(اطلاعات - ۲۰ آبان)

پیاده نظام های زرنگ

بخشهایی از یک نامه :

"... چند هفته پیش به اتفاق یکی از دوستان از جنوب به سمت تهران حرکت می کردیم. به قم که رسیدیم گفتیم يك آخوند را سوار کنیم تا ببینیم اوضاع از چه قرار است. دم پل آهنی يك آخوند حد و دایه ۵۰ ساله دست بلند کرد. سوارش کردیم. داخل ماشین که شد به او گفتیم: حاج آقا پس بنزت کسو؟ خنده ای کرد و گفت: "من جزو پیاده نظامم!" با تعجب پرسیدم یعنی چه؟ گفت: "آخوند-ها دودسته اند: يك دسته آنهايي هستند که دستشان به جایی بند شده و با اصطلاح جزو دلت مردان هستند و بنزء گلوله زیر پايشان است و کوفر و بروبایی دارند، به آنها می گویند سواره نظام. يك عده مثل این حقیر سرشان بی کلاه مانده به امثال ما می گویند پیاده نظام!"

به این تقسیم بندی خیلی خندیدیم خود حاج آقا هم مرتب ریشه می رفت. پس او گرم گرفتیم. تجسم واقعی آن اخلاقیاتی بود که رژیم بر آن مارک اسلامی زده است. می گفت در این پلبشوا دم باید موقع ششاس و فرصت طلب و به قول خودش اهل تقيه باشد در این مورد مثال جالبی زد: ماجرای قطع آب منزلش را. برایمان تعریف کرد: "آدم باید توی این مملکت زرنگ باشد. مدتی پیش چون پول آبان را نپرداخته بودیم،

در سالهای گذشته واقعا روی آن کار کرده اند حال این زمین می خواهد هکتار باشد یا ۱۰۰ هکتار یا بیشتر!"

(مجله کشاورز) - تیر ۶۳

وحشت در کلاسهای درس

حجت الاسلام گنجی :

" يك روز، در پایان جلسه انجمن اولیا و مربیان یکی از مدارس راهنمایی دخترانه دیدم ما در یکی از دانش آموزان که علی الظاهر نیز چندان مذهبی به نظر نمی رسید آمد خدمت یکی از خواهران معلم دینی و شروع کردند از آن خواهر تنها و خواهش کردن که دیگر در کلاس درستان در مورد جن و شیطان صحبت نکنید! خواهر معلمه با تردید و تعجب پرسید آخر به چه دلیل؟ مادر دانش آموز عنوان کرد که از موقعی که شعار رایسن پاره صحبت کرده اید، دخترم دچار ترس و دلهره شده، دائما اظهار نگرانی و ترس می کند!" (اطلاعات - ۱۱ آذر)

يك مهاجر جنگی نیز در زیر چادر زندگی نمی کند!

نماینده اهواز در مجلس

"در بیشتر شهرکها، حتی در شهرهای بزرگ می بینیم هشت نه نفر از يك خانواده همه در يك اتاق ۲ در ۳ زندگی می کنند. حالا منهای چادرهای راهبرمز و شهرک بلال که متأسفانه آقایان آمده اند پشت تریبون مجلس و گفته اند که ما يك نفر مهاجر نداریم که در زیر چادر زندگی کند. همین الان اگر شما به شهرک بلال در راهبرمز مراجعه کنید، می بینید که در حدود ۱۴ هزار نفر زیر چادر، با استقامت کامل (!) زندگی می کنند" (اطلاعات - ۳ آبان)



توضیح

در نشریه شماره ۳۵، در مقاله "پیرامون حادثه اخیر دانشگاه برلین" صفحه ۴ ستون ۳ سطر ۱۰ به جای کلمه "منسوبین"، مسئولین تایپ شده است. پدین وسیله تصحیح می شود.

آب منزلتان را قطع کردند. رفتیم سازمان آب. مرابه يك جوانکی معرفی کردند که در نگاه اول فهمیدم حزب اللهی است. به او گفتم برادر! این شد رسم روزگار؟ من رفتم بودم جبهه! هفت هشت باز نزدیک بود شریعت شهادت بنوشم. آنوقت شما در غیاب من آمده اید آب منزل مرا که يك روحانی و يك شهید زنده هستم قطع کرده اید؟ جوانك حزب اللهی خیلی متاثر شد و گفت بهتر بود به ما اطلاع می دادید. ما نمی دانستیم شما يك روحانی و يك رزمده اسلام هستید! حالا مهم نیست بروید پیش آقای رئیس، مشکل حل می شود. رفتیم پیش آقای رئیس از همان دو سه دقیقه سلام و علیک فهمیدم طرف ضد انقلاب است. با خنده گفت: چی شده حاج آقا؟ کنارش نشستم و جریان را به او گفتم. از صحبتهایش ظنم تبدیل به یقین شد. به او گفتم: آقای رئیس! من خودم ضد انقلابم. آنوقت شما آمده اید آب منزل ما را قطع می کنید؟ خیلی خوش آمد. فوراً دستور داد بیايند آب منزلتان را وصل کنند. ده شاهی هم بابت پول معوقه از من نگرفتند. آدم باید کله اش در این مملکت کار کند. ما در این جور کارها خیلی خبره ایم!"

ارث خرس به گفتار می رسد

تبصره ۹۵ بودجه سال ۶۴ :

"وزارت سپاه پاسداران انقلاب مکلف است ساختمانها و تاسیسات حفاظتی منتقله از ساواک منحل را به وزارت اطلاعات واگذار نماید. نحوه انتخاب و چگونگی واگذاری ساختمانها و تاسیسات حفاظتی فوق الذکر، بر اساس دستور العمل پیشنهادی وزارت اطلاعات و تصویب هیات وزیران خواهد بود." (اطلاعات - ۱۰ آذر)

تناسب ارقام

مخبر کمیسیون اصل ۹۰ در مجلس :

"با عنایت به این که ستون فقرات تشکیلات قانون گذاری کشور جمهوری اسلامی مجلس می باشد، بطور اجتناب ناپذیر ایجاب می نماید تا از طریق کمیسیون اصل ۹۰ که متشکل از برگزیدگان همین مجلس است، فرد فرد ملت ایران در قبال قانون شکنی و عدم احساس مسئولیت تعدادی انگشت شمار از مامورین و مسئولین اجرایی و قضایی مملکت حراست شوند. در طی چهار سال متجاوز از یکصد و ده هزار فقره شکایت به کمیسیون واصل شده است..."

(اطلاعات - ۷ آذر)

زمین از آن چه کسانی است؟

"ما از سخنان نخست وزیر، وزیر کشاورزی و وزیر جهاد سازندگی اینطور برداشت کرده ایم که زمین از آن کسانی است که

جوانان کمونیست - بنگلادش، سرکوب و اختناق در ایران را محکوم می کنند

آورد

در جلسه پایانی کنفرانس قطعنامه ای در رابطه با سرکوب و اختناق در ایران به تصویب رسید که در آن گفته شده است:

"ما شرکت کنندگان در هیجدهمین کنفرانس ملی اتحادیه دانشجویان بنگلادش، که در روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر ۱۹۸۴ در شهر داکا برگزار گردید، اقدامات ضد دموکراتیک رژیم حاکم بر ایران و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی بویژه اعضای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) را محکوم می کنیم.

ما همبستگی خود را با خلق قهرمان ایران بویژه رفقای رزمده حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) اعلام نموده و خواهان آنیم که:

- ۱- جنگ ایران و عراق فوراً خاتمه یابد.
- ۲- به شکنجه و اعدام همه زندانیان سیاسی آزاد یخواه ایران پایان داده شود.
- ۳- اخراج دانشجویان و استادان ترقیخواه از دانشگاههای ایران متوقف گردد.
- ۴- به سرکوب و وحشیانه خلق کرد در ایران پایان داده شود.

۵- يك هيات مترقی بين المللی شامل وكلا و پزشكان اجازه یابند وضعیت زندانیان و زندانیان سیاسی در ایران را بازرسی نمایند.

جوانان کارگر سوسیالیست آلمان: به سرکوب نیروهای انقلابی در ایران پایان دهید!

قرائت کردند در قسمتی از پیام جوانان فدایی خلق (اکثريت) در آلمان فدرال آمده است:

"در کشور ما جوانان خود را رودروى رژیمى قرون وسطایی می بینند که با هر آنچه برای جوانان به معنای آینده و امید است خصوصیت می ورزد. چهار سال است جنگ ایران و عراق ادامه دارد و به قیمت جان صدها هزار انسان جوان تمام شده است... (جوانان ایران) از کار، آینده و امید در میهن خود محرومند... در پیام مزبور، سپس به مبارزه جوانان ایران در راه اهداف آزادیخواهانه و انقلابی اشاره شده است.

سپس پیام جوانان توده ایران، در آلمان فدرال قرائت شد و به دنبال آن یکی از مسئولین "اس. د. آ. ا." پشت تریبون قرار گرفته و ضمن تاکید بر خواست جوانان انقلابی آلمان فدرال مبنی بر پایان دادن به سرکوب و کشتار جوانان و نیروهای انقلابی در ایران، گفت: "من از سوی کنفرانس سازمان خود، صمیمانه ترین همبستگی با مبارزان تحت سرکوب در ایران و خارج ایران را اعلام می دارم. ما با تمام قوا در کنار شما ایستاده ایم." نمایندگان کنفرانس، با ابزار احساسات شدید و با شعار زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی، از این سخنان استقبال کردند.

هیجدهمین کنفرانس اتحادیه دانشجویان بنگلادش در روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر در محوطه دانشگاه داکا در فضایی سرشار از شور و هیجان برگزار شد. این کنفرانس در حالی برگزار گردید که حزب حاکم بنگلادش که اخیراً به توسط ژنرال ارشاد، دیکتاتور نظامی این کشور، تأسیس شده است، از طرق مختلف می کوشد سازمان جوانانی برای خود دست و پا کرده و فضای سیاسی دانشگاههای بنگلادش را زیر سلطه خود درآورد.

در روز آغاز کنفرانس جوانان بسیاری، گروه گروه از نقاط مختلف بنگلادش، به سوی دانشگاه داکا روانه شدند. کنفرانس، با سخنرانی رییس اتحادیه آغاز شد و سپس پیامهای سازمانهای جوانان و دانشجویان از کشورهای مختلف قرائت گردید.

سازمان جوانان فدایی ایران (اکثريت) که برای شرکت در کنفرانس دعوت شده بود - برای این کنفرانس پیامی فرستاد. در این پیام ضمن آرزوی موفقیت برای کنفرانس، گوشه هایی از اختناق و سرکوب موجود در ایران بویژه در رابطه با جوانان و دانشجویان بارگرفته شده بود. این پیام توسط یکی از رفقای بنگالی قرائت شد و موجی از شعار دراز - سراز همبستگی با سازمان ما و حزب توده ایران در پی

در روزهای سوم و چهارم نوامبر، هشتمین کنفرانس منطقه ای سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان (S.D.A.J.) در ناحیه راین لند و ستفالن در شهر و پرتال برگزار شد.

"اس. د. آ. ا." سازمان جوانان انقلابی سوسیالیست است که نقش مهمی در جنبش جوانان ترقیخواه و جنبش کارگری آلمان فدرال ایفا می کند. این سازمان در کنار حزب کمونیست آلمان، در صف مقدم مبارزان جنبش در راه صلح و دموکراسی در این کشور قرار دارد.

کنفرانس منطقه ای "اس. د. آ. ا." در راینلند و ستفالن، در وهله اول به ارزیابی فعالیت این سازمان در جنبش صلح و جنبش "۳۵ ساعت کار در هفته" اختصاص یافت. همچنین ابزار همبستگی با خلقهایی که در سراسر جهان علیه امپریالیسم و متحدین آن به نبرد برخاسته اند، از موارد دیگر دستور کار کنفرانس بود. در این کنفرانس نمایندگان از برخی سازمانهای جوانان کشورهای مختلف نیز حضور داشتند. از جمله نمایندگان جوانان توده ایران.

جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) در آلمان فدرال، در کنفرانس مزبور شرکت داشتند و هر يك پیامی خطاب به کنفرانس

مسأله گرسنگی...

بقیه از صفحه ۱۱

اراضی کشاورزی سنگال، بادام زمینی کشت می کنند. کشورهای حوزه کارائیب، که با اوضاع بسیار دشواری در زمینه مواد غذایی روبرو هستند، شکر و میوه به مقداری تولید می کنند که چند برابر بیش از نیاز داخلی است. در برزیل، در ۱۰ سال اخیر تولید مواد غذایی جمعا ۶۸ درصد افزایش یافت، اما از مصرف آن ۶ درصد کاسته شد.

گذشته از این، کمک به رشد مزارع بزرگ خصوصی بطور اجتناب ناپذیر به فقر اقشار وسیع دهقانی و در نتیجه تشدید ششستابان تضادهای اجتماعی می انجامد. تعداد هر چه بیشتری از دهقانان مجبور می شوند زمینهای خود را به بزرگ مالکان فروخته و در شهرها امکانات دیگر امرار معاش را جستجو کنند. صنایع و صنوف شهرها، قادر نیستند همه این انسانها را جذب کنند. و از این رو، بخش بزرگی از آنها به ارتش بیکاران و لومین پروتاریا که بدون آنها نیز به اندازه کافی بزرگ است، می پیوندند. این اقشار، با رستگین "شهر نشین شدن" به صورت ناموزون را در نظام سرمایه داری به دوش می کشند.

همین امروز نیز، شهرهای "جهان سوم" در حال خفه شدن در زیر بخش در حال انفجار خدمات، تجارت و کسب خرده پا، گدایی و زندگی انگلی هستند. این پدیده ها، در پیوند بلا فصل با راه رشد سرمایه داری قرار دارد. ادامه این راه، به تشدید مجموعه تضادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که کشورهای رشد یافته با آن دست و پنجه نرم می کنند، می انجامد. از این رو، به نظر نمی رسد بتوان ادعا کرد راه سرمایه داری خصوصی، چشم اندازی برای حل مسأله غذایی در کشورهای در حال رشد می گشاید.

بنابراین، حل دراز مدت و پیگیر مسأله تغذیه تنها به صورت دگرگونی مجموعه مناسبات میان انسان و طبیعت، برپایه تحولات عمیق اجتماعی و گذار به مالکیت اجتماعی ابزار تولید امکان پذیر است. از این رو همانگونه که مارکس در جلد سوم "سرمایه" نوشت، "تهدید شرایط حاکمیت مناسبات نوین اجتماعی" تولید کنندگان منفرد می توانند به این مبادله خود با طبیعت صورت عقلایی ببخشند، و به جای آنکه تحت سلطه آن به مثابه يك قدرت راکتور قرار گیرند، آنرا به زیر کنترل اجتماعی خود درآورده و با صرف کمترین نیرو و مساعدترین و مناسبترین شرایط برای طبیعت بشر، تحقق ببخشند.

تا آنجا که به شرایط مشخص کنونی مربوط می شود، سمت گیری به سوی حل مسأله جهانی تغذیه در چارچوب نظام نوین اقتصاد جهانی، که کشورهای سوسیالیستی و غیر متعهد خواهان آنند، گامی به جلو خواهد بود.

۶۴ سال از برقراری حکومت شوراهادر ارمنستان گذشت



عکسی از برگزاری جشن در میدان لنین شهر ایروان

در شرایطی که هموطنان ارمنی ما، با تضییقات و توطئه های روز افزون حکومت جمهوری اسلامی علیه حقوق خود روبرو هستند، جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان ۲۹ نوامبر امسال ۶۴مین سالگرد برقراری حکومت شوراهادر این سرزمین را برگزار کرد. بدین مناسبت، نگاه کوتاهی داریم به چگونگی ایجاد و تکامل قدرت کارگران و دهقانان در ارمنستان شوروی.

در ماه مه ۱۹۱۸، به دستور کشورهای امپریالیستی و به منظور ایجاد پایگاه علیه روسیه سوسیالیستی در ماوراء قفقاز، سه دولت بورژوازی در آذربایجان، گرجستان و ارمنستان تشکیل شد. در ارمنستان، روز ۲۸ مه همان سال حزب بورژوازی دانشناکسیون قدرت را به دست گرفت. حکومت این حزب، که خود را مستقل قلمداد می نمود، در حقیقت آلت دست بلوک های امپریالیستی شده بود.

دولت بورژوازی ارمنستان در طول ۲ سال حکومت خود نتوانست و خواست مسائل اجتماعی - اقتصادی ارمنستان را حل کند. وضع روستاها و روستائیان اسفناک بود. موضوع دولت وقت در مورد مالکیت زمین، این بود که حریم مالکیت ارضی مقدس است، و هیچ کس حق تجاوز به حقوق مالک را ندارد. صنایع موجود در ارمنستان نیز تقریباً نابود شده بودند.

هرج و مرج، جنگ های برادر کشی، پایمال کردن حقوق اقلیتها، گرسنگی و بیماری ارمنیان دولت بورژوازی برای مردم ارمنستان بود. تقریباً دو سوم جمعیت ارمنستان (در حدود نیم میلیون نفر) بر اثر بیماریهای واگیردار و گرسنگی جان سپردند. حتی روزنامه های بورژوازی نیز می نوشتند "در کشور بیماری و گرسنگی حکومت می کند".

با مقایسه اوضاع اقتصادی ارمنستان در سال ۱۹۱۹ با سال ۱۹۱۳ (پیش از جنگ جهانی اول) درجه فلاکت آن روشن تر می شود:

سال ۱۹۱۹	سال ۱۹۱۳
زمینهای زیر کشت (به هزار هکتار) ۸۲/۷	۳۵/۷
زمینهای زیر کشت پنبه (هزار هکتار) ۶۰۰	۱۵
تولید محصولات دیگر (هزار هکتار) ۵۸	۱۰۰

سوسیالیسم، ارمنستان و خلق ارمن را که بر اثر سیاست خائنانه دولت دانشناکسیون در لیه پرتگاه نابودی کامل قرار گرفته بود، نجات داد.

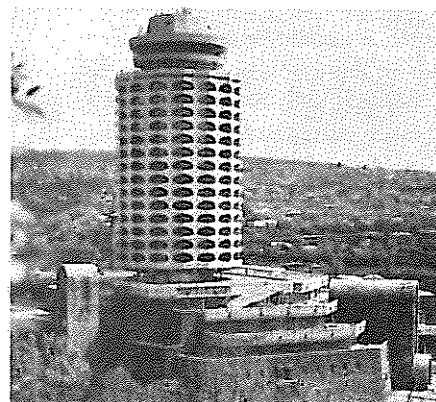
در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰، کارگران و دهقانان با خاسته ارمنستان بر رهبری حزب کمونیست کارگران ارمنستان و به کمک ارتش سرخ روسیه سوسیالیستی، دولت بورژوازی را سرنگون و

حکومت سوسیالیستی را برقرار کردند. بدین ترتیب، دورنمای وسیعی برای پیشرفت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آمده و خلق ارمن زایشی نو یافت.

ارمنستان، که در گذشته ای نه چندان دور، یکی از جوامع عقب افتاده دنیا بود، اینک در سایه سوسیالیسم و با کمک های بی شائبه خلق های برادر، به یکی از مناطق مبدن صنعتی و پیشرفته دنیا بدل گشته است. هم اکنون ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در ارمنستان زندگی می کنند. آنها در کنار دیگر خلق های شوروی، به آینده روشن خود می نگرند و با گام های استوار به پیش می روند.

نظری به ارقام، عظمت کاری را که از هنگام برپایی حکومت شوراهادر ارمنستان صورت گرفته، نمایان می سازد.

میزان تولید اقتصادی در سال ۱۹۷۳، در مقایسه با ۱۹۱۳، ۲۲۱/۵ برابر شده است. امروزه بیش از ۱۷۰ نوع ابزار صنعتی تولید شده در ارمنستان شوروی، به بیش از ۷۰ کشور دنیا، و از جمله به کشورهای پیشرفته صنعتی صادر می گردد. آمار تولیدات سال ۱۹۸۲ در



کاخ جوانان در شهر ایروان

مقایسه با سال ۱۹۴۰، نشان دهنده افزایشی معادل ۵۰۰ درصد است.

تولید برق در ارمنستان شوروی، تنها در سال ۱۹۸۱ به ۱۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون کیلووات رسید. برق تولید شده در سال ۱۹۸۲، در مقایسه با ایران ۸/۴ برابر، در مقایسه با ترکیه ۸/۷ برابر، و ۲/۳ برابر مقدار متوسط برق تولید شده در کل جهان بود. همین رقم در سال ۱۹۷۰، تنها در ارمنستان ۶ برابر برق تولید شده در کل روسیه تزاری در سال ۱۹۱۳ بود، و در مقایسه با سال ۱۹۴۰، به ۱۶/۲ برابر رسید.

تولید کشاورزی، در مقایسه با سال ۱۹۴۰، ۵ برابر افزایش داشته است. در زمینهای کلخوز (تعاونی)، ۱۳ هزار تراکتور، ۱۵ هزار کامیون و بیش از ۱۶ هزار کامیون به کار مشغولند.

امروزه از هر ۱۰۰۰ نفر ارمنی ساکن ارمنستان شوروی، ۹۰۰ نفر دارای مدرک پایان دبیرستان و یا تحصیلات عالیه هستند، که در مقایسه با همه کشورهای جهان، رقم چشمگیری است. در سال ۱۹۵۱، در ارمنستان ۳۳ مرکز تحقیقات علمی وجود داشت. این رقم، در سال ۱۹۵۸ به ۶۹، در سال ۱۹۶۲ به ۸۴، و در سال ۱۹۷۰ به ۱۰۰ مرکز رسید. در سال ۱۹۷۰، در این مراکز تحقیقاتی بیش از ۱۲ هزار نفر به کار تحقیق اشتغال داشتند. از این تعداد، ۴۰۰ نفر دارای دکترای در علوم و ۳۰۰۰ نفر کاندیدای احراز این مقام بودند.

جدول آمار تعداد مراکز آموزش عالی و تعداد دانشجویان

سال تحصیلی	تعداد مراکز آموزش عالی	تعداد دانشجویان
۱۹۲۲-۱۹۲۳	۲	۵۵۷
۱۹۴۰-۱۹۴۱	۹	۱۱۱۲۰
۱۹۶۰-۱۹۶۱	۱۰	۲۰۱۶۵
۱۹۷۴-۱۹۷۵	۱۲	۵۳۱۶۶

رویدادهای
جهان

کنوانسیون جهانی علیه شکنجه

سی و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون علیه شکنجه و سایر اشکال خشونت را مورد تصویب قرار داد. در این کنوانسیون، از همه کشورها خواسته شده است اقداماتی به منظور جلوگیری از شکنجه و مجازات عوامل آن انجام دهند. در این رابطه، نماینده شوروی طی سخنان خود، به شکنجه و آزار زندانیان اردوگاههای آلمان هیتلری و سایر مخالفان فاشیسم اشاره نمود. سایر سخنرانان، اعمال شکنجه در شیلی، آفریقای جنوبی، نامیبیا و اسرائیل و مناطق عربی زیر اشغال آن را محکوم کردند. خاویر پیرز و کوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، تصویب کنوانسیون نامبرده را گام مهمی در تلاش این سازمان برای از بین بردن شکنجه نامید.

مجمع عمومی سازمان ملل خواهان تشکیل کنفرانس خاور نزدیک شد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بهار دیگر همه دولتها را به همکاری برای تشکیل هر چه سریعتر کنفرانسی پیرامون خاور نزدیک و برای عادی کردن اوضاع انفجاری این منطقه فراخواند. این دعوت، در قطعنامه هفتمی جمعبندی مذاکرات مجمع عمومی پیرامون مسئله فلسطین گنجانده شده است. طی این مذاکرات، نمایندگان بسیاری از کشورهای پشتیبانی خود را از پیشنهاد های اتحاد شوروی در باره حل مسئله خاور نزدیک اعلام داشتند. محمد ابوالحسن، نماینده دائمی کویست در سازمان ملل متحد گفت کشور وی موضوع اتحاد شوروی در باره ضرورت برگزاری کنفرانس بین المللی ویژه خاور نزدیک زیر نظر سازمان ملل متحد را تأیید میکند. اسکار الیوا نماینده کوبا اظهار داشت همه طرفهای

ذینفع، از جمله سازمان آزاد بخش فلسطین، یگانه نماینده قانونی ملت فلسطین، باید در این کنفرانس شرکت کنند. نماینده کوبا، آمریکا و اسرائیل را به علت ایجاد موانع در راه حل مسئله خاور نزدیک و نادیده گرفتن حقوق حق فلسطینی ها محکوم کرد.

در اسنادی که با اکثریت قاطع، و تنها با رای مخالف آمریکا و اسرائیل و رای ممتنع متحدین ناتوی آمریکا به تصویب مجمع عمومی رسید، حق خلق فلسطین برای ایجاد دولت مستقل مورد تأیید قرار گرفته است.

اعتصاب عمومی در بنگلادش

روز شنبه هشتم دسامبر، یک اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته در بنگلادش انجام گرفت. این اعتصاب، به دعوت احزاب اپوزیسیون تحت شعار لغو حکومت نظامی و استقرار مجدد دموکراسی و نیز تأمین آزادی انتخابات برگزار شد. همچنین در شانزده هفتم دسامبر نیز به نشانه حمایت از اعتصاب عمومی، تظاهرات وسیعی در داکا پایتخت بنگلادش بر پا گردید. شرکت کنندگان در این تظاهرات، از اهالی کشور دعوت کردند مجدانه در اعتصاب شرکت نمایند. اپوزیسیون بنگلادش اعلام نموده که مصمم است پس از پایان اعتصاب، به سازماندهی کارزار عدم اطاعت عمومی به منظور دفاع از خواستهای خود اقدام نماید.

فاجعه شیمیایی بوپال در خدمت آزمایشهای تسلیحاتی غرب

خبرگزاری هند گزارش داده است، کارمندان آزمایشگاههای سری ویژه تحقیق پیرامون سلاحهای شیمیایی، زیر عنوان نمایندگان سازمانهای گوناگون کمک به مردم مصیبت زده شهر هندی بوپال، از ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، کانادا و آلمان فدرال به این شهر هجوم آورده اند. از نظر آنها، فاجعه بوپال امکان ارزیابی تأثیر مواد سمی را می تواند در جنگ شیمیایی به کار گرفته شود، فراهم آورده است. همانگونه که قبلاً نیز گزارش دادیم،

روز سوم دسامبر در شهر بوپال هند به دنبال نشت گاز سمی در کارخانه متعلق به شرکت آمریکایی "یونیون کارباید" در نتیجه سهل انگاری جنایتکارانه هیئت مدیره این کارخانه، دهها هزار نفر از مردم بی گناه مسموم شدند. از این تعداد، تا کنون بیش از ۲۵۰۰ نفر قربانی سوز جوئی "یونیون کارباید" گشته اند. وضعیت ۱۴۰۰ نفر دیگر نیز وخیم است. تعداد زیادی از مردم، یا به کلی بینایی خود را از دست داده اند و یا از ناحیه چشمها به شدت آسیب دیده اند.

یکی از مدیران "یونیون کارباید" در آمریکا اعتراف کرد در کارخانه این شرکت واقع در بوپال، معیارهای امنیتی در سطح بسیار پایینتری از خود آمریکا بوده است. وی افزود سیستم هشدار پاش کارخانه اصلی یونیون کارباید در ایالت ویرجینیای غربی آمریکا، قادر است افزایش فشار گاز در مخازن را به موقع تشخیص دهد. به گفته این مسئول شرکت آمریکایی، مدیران این شرکت به علت "مشکلات مربوط به لوازم یدکی" تصمیم گرفته بودند از پذیرش سیستم اعلام خطر کامپیوتری در کارخانه بوپال صرف نظر کنند. به گزارش خبرگزاری رویترز، دو سال پیش یعنی در سال ۱۹۸۲، نتیجه بازرسی امنیتی کارخانه یونیون کارباید در بوپال حاکی از ناکافی بودن اقدامات ایمنی در این کارخانه بوده است.

همزمان با روشن شدن برخی جوانب فاجعه شیمیایی بوپال، موج ابراز خشم و انزجار مردم هند علیه مقامات شرکت آمریکایی "یونیون کارباید" گسترش یافته است. در روز ۱۲ دسامبر، در برابر سنارت آمریکا در دهلی تظاهرات وسیعی در این رابطه انجام گرفت. دولت مرکزی هند برای هماهنگ کردن اقدامات خود با دولت ایالتی "مادیا پرادش" که بوپال در آن واقع شده نماینده ویژه ای به این شهر فرستاد. دولت ایالتی مادیا پرادش، علیه کنسرن "یونیون کارباید" اقامه دعوا نمود.

کوهستانی آریا - سوان (بطول ۴۰ کیلومتر) که در نوع خود در دنیا بی نظیر است، ماشینهای شمارگر، نیروگاه هسته ای، متری شهر ایروان و... از میان دستاوردهای خلق ارمن در زمینه پیشرفت علمی نیز می توان از رصدخانه مشهور پیوراگان که تحقیقات مربوط به ستاره شناسی آن اهمیت جهانی دارد و آکادمی علوم ارمنستان شوروی نام برد.

این همه، تنها نمونه هایی است از دستاوردهای راهی که خلق ارمن در طول ۶۴ سال حکومت سوسیالیستی پیموده است. از ویرانی تا آبادانی، از کارگاههای تولیدی کوچک تا کارخانه های مدرن، از عقب ماندگی تا پیشرفت شتابان و فزاینده... ●

در سال ۱۹۲۲، در سراسر ارمنستان ۱۰۰ کتابخانه با ۱۰۰ هزار جلد کتاب وجود داشت. برابر آمار سال ۱۹۸۱، این رقم به ۲۱۰۰ کتابخانه با ۲۱ میلیون جلد کتاب رسید. هر ساله حدود هزار جلد کتاب با تیراژ چندین میلیون به چاپ می رسد.

پیشرفت دائمی در زمینه حل مسائل مربوط به مسکن، به ویژه در ده سال اخیر، از مشخصات تکامل اقتصادی - اجتماعی جمهوری ارمنستان است. مساحت واحدهای مسکونی از ۹۰ هزار متر مربع در ۱۹۲۰، به ۲۶۴۰۰ هزار متر مربع در ۱۹۸۱ رسید.

پرخ جلودهای چشمگیر پیشرفت ارمنستان شوروی عبارتند از: سد عظیم آخوریان، آبراه

در مراکز آموزش عالی، دانشجویان در ۱۵۰ رشته مختلف تخصص کسب می کنند. این مراکز، با بیش از ۵۰ کشور جهان روابط علمی دارند. تا سال ۱۹۷۵، در دانشگاهها و مدارس عالی ارمنستان تعداد ۵۴۰ دانشجو خارجی از ۲۵ کشور جهان تحصیلات خود را به اتمام رسانده بودند.

برابر آمار سال ۱۹۲۲، در ارمنستان تنها ۱۳۰ پزشک وجود داشت. این رقم در سال ۱۹۸۱، به ۱۱۱۰۰ پزشک رسید (یعنی برای هر ۱۰۰۰۰ نفر ۳۴ پزشک). این رقم، بیش از ارقام مشابه آمریکا، بریتانیا و سایر کشورهای امپریالیستی است.



اخباری از خراسان

اعتصاب در سازمان آب مشهد

در سازمان آب مشهد، مسئولین با یک تصمیم خودسرانه اعلام داشتند که از این پس حق اضافه کاری به کارکنان تعلق نخواهد گرفت. این امر اعتراض شدیدی را در میان کارکنان این واحد برانگیخت. کارگران و تکنیسین های قسمت موتورخانه دست از کار کشیدند. اما مدیر عامل سازمان آب همچنان بر این تصمیم پافشاری نموده و از پرداخت حق اضافه کاری سر باز می زد. کارکنان موتورخانه به مبارزه علیه این اجحاف آشکار ادامه دادند. اعتصاب آنان، روند عادی کار سازمان آب را مختل کرد. اعتصاب پس از چند روز با پیروزی کارکنان سازمان آب به پایان رسید و مدیر عامل متعهد شد حق اضافه کاری کارکنان را بپردازد.

مقاومت مردم

طرح افزایش نرخ اتوبوس را خنثی کرد

در مشهد به دستور مسئولین، قیمت بلیط اتوبوس شرکت واحد از ۵ ریال به ۱۰ ریال افزایش یافت. این تصمیم اعتراضات شدیدی را برانگیخت و به درگیری هایی نیز منجر شد. کسی حاضر شد به این تصمیم خودسرانه رژیم تمکین کند. کسانی که سوار می شدند همان بلیط سابق را ارائه می کردند و در نقاطی که مامورین از این کار جلوگیری می کردند، مردم از سوار شدن به اتوبوس خودداری می نمودند. حرکت اعتراضی اهالی مشهد به مدت یک هفته ادامه یافت. در همه این مدت غالب مردم از وسائل دیگر برای آمد و رفت استفاده می کردند و یا پیاده به سرکار می رفتند.

در پایان یک هفته، مسئولین مجبور به تسلیم شدند و تصمیم به افزایش نرخ بلیط اتوبوس شرکت واحد لغو شد.

یا شهریه گزاف یا ترک تحصیل

از طرف آموزش و پرورش مشهد، بخشنامه ای به کلیه مدارس فرستاده شد که طبق آن دانش آموزان کلاسهای شبانه و نو آموزان کلاسهای آمادگی باید مبلغ بیست هزار ریال بابت شهریه بپردازند. این بخشنامه در پی اقدامات قبلی آموزش و پرورش در اخذ شهریه از همه دانش آموزان، صادر گردید. بخشنامه تازه آموزش و پرورش مشهد موجی از اعتراض در میان دانش آموزان و

اولیاء آن ها برپا کرد. در بسیاری از مدارس دانش آموزان دست به اعتصاب زدند. تعدادی از مدارس محلات فقیر نشین مشهد بیش از یک هفته به حالت تعطیل درآمد. والدین دانش آموزان در همه این مدت به طور انفرادی یا دسته جمعی به اداره آموزش و پرورش مراجعه می کردند. اما پاسخ مسئولین این بود "بسیا شهریه بدهید یا فرزندانتان ترک تحصیل کنند". اعتراضات دانش آموزان در محلات زحمتکش نشین مشهد از قبیل خاجه ربیع، سمرقند، کوی طلاب و ... چشمگیر بود.

اعتراض پرسنل پرواز در خطوط هوایی

چندین فقره هواپیمایی در خطوط هوایی ایران در ماههای گذشته، رژیم را متوحش ساخته و به دست و پا انداخت. ارگان های امنیتی رژیم برای جلوگیری از تکرار این گونه حوادث، همه امکانات خود را به کار گرفتند و تدابیر امنیتی فوق العاده ای را به کار بستند. مامورین کنترل در فرودگاه های کشور تا ساعتها مسافرین را تحت بازرسی قرار می دهند و علاوه بر آن حتی به خلبانان، خدمه و مهمند سین پرواز نیز تنها پس از بازرسی دقیق اجازه ورود به هواپیما را می دهند. این بازرسی ها که به نحوی توهین آمیز انجام می شود، خشم شدیدی در میان کارکنان خطوط هوایی ایجاد کرده است. گزارشات متعددی حاکی از اعتراضات تند آنها به این اقدام اهانت بار، می باشد.

در فرودگاه مشهد خلبانان، مهمند سین و خدمه پرواز در برابر مامورین بازرسی دست به مقاومت زدند. آنها در برابر سرسختی مامورین، از پرواز خوداری کرده و دست به اعتصاب زدند. بخاطر این اعتصاب برخی از پروازها تا چند روز متوقف شد و بقیه پروازها نیز دچار اختلال گردید. علاوه بر فرودگاه مشهد، دیگر فرودگاه های کشور نیز شاهد مقاومت کارکنان هواپیما ها در برابر مامورین بازرسی بود. در زابل کشاکش میان خلبانان هواپیمائی ملی و پاسدا رهایی که قصد بازرسی داشتند، باعث شد تا پرواز هواپیما دچار تاخیر شود. پرواز پس از چند ساعت و در پی عقب نشینی پاسدارها صورت پذیرفت.

در فرودگاه مهرآباد نیز خلبانان در برابر بازرسی دست به مقاومت زدند که به درگیری هایی چند با مامورین بازرسی و ارگان های امنیتی انجامید. گفته می شود عده ای از خلبانان در اعتراض به این رفتار نابهنجار استعفا کردند. **اعزام به جبهه، مجازات ناراضیان**
بر اساس روشی تثبیت شده، فرماندهان سپاه آن عده از پاسدارانی را که به سیاستهای ارتجاعی حاکمیت معترضند و یا قصد استعفا دارند، به جبهه های جنگ اعزام می کنند. امتناع آنها از رفتن به جبهه، با دستگیری و

مجازات یا اتهام تردد و سرپیچی پاسخ داده می شود. بنا به همین روش چندی پیش در بیرجند، گروهی از این دسته از پاسداران معترض را به جبهه های جنگ گسیل داشتند. چندین نفر کشته شد که تقریباً همه آنها در یک عملیات نظامی کشته شدند و جنازه هایشان را برای تشییع جنازه و تدفین به بیرجند آوردند. مردم بیرجند که در جریان سوابق امر قرار داشتند به شدت این توطئه جنایتکارانه را محکوم کرده و با حضور گسترده در جریان تشییع جنازه نفرت خود را ابراز کردند. گردانندگان مراسم تشییع جنازه که از مسئولین سپاه بودند کوشیدند مردم را به دادن شعارهای جنگ افروزان و ارتجاعی وادار نمایند. اما مردم امتناع کرده و بجای آن شعارها در محکومیت سیاست های رژیم سردادند. رویدادهای این مراسم بازتاب وسیعی در منطقه پیدا کرد.

کمک های مالی رسیده

آفتاب (سوئد)	۱۰۰۰ کرون
مرگان "	۱۰۰ کرون
شیدا "	۴۰۰ کرون
هانی سوئد	۳۰۰ کرون
۳۳۲- اسپالا (سوئد)	۵۰۰ کرون
دو رفیق فدایی "	۶۰۰ کرون
رفیق حسن آلان فدرال	۱۰۰ مارک
کمک مالی به "اکثريت" از طرف رفقای فدائی در منچستر	۱۰۰ پوند

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای فدایی در استکهلم (سوئد)
تأمین کردند

AKSARIYAT

NO:37

MONDAY DEC. 17, 84

آدرس
Postfach 23007
6500 Mainz 23
W. GERMANY
آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND
انگلستان

P.O. BOX 86156
LOS ANGELES, CA 90086
USA
ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY
ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA
هندوستان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!